

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درآمدی بر علم صرف

(صرف ۱)

ویراست جدید

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

(سوره یوسف، آیه ۲)

مقدمه دفتر:

حوزه‌های علمی شیعی که به حق میراث‌داران رسالت انبیای عظام هستند، در طول حیات خود همواره پاسداران تراث جاوید معارف غنی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند. بدیهی است که استمرار این رسالت عظیم الهی به صورت کارآمد و متناسب با مقتضیات دنیای امروز مستلزم برنامه‌ریزی صحیح و تحول در نظام آموزشی و برنامه درسی حوزه‌ها و متوازن ساختن اهداف عالیه این نهاد مقدس، با نیازها و چالش‌های جدید و نیز توجه به گسترش علوم دینی و تنوع رشته‌های آنهاست.

از طرفی اصلی‌ترین ابزار انتقال علوم و معارف و تجارب پیشینیان، فضای تدریس و رابطه استاد و شاگرد است و در این میان کتاب درسی به عنوان محور ارتباط بین استاد و شاگرد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چندان که در حوزه‌های علمیه یکی از مهم‌ترین محورهای تحول نظام آموزشی و بارزترین نمود آن، تغییر متون آموزشی و تولید کتاب‌های درسی جدید در حوزه علوم اسلامی بر اساس نیازهای نوظهور است.

منزلت و جایگاه متون درسی در حوزه‌ها و بهره‌مندی از تراث گران‌سنگ و ذخایر ارزشمند متون قوییم علمای گذشته ایجاب می‌کند که در بازسازی، اصلاح و تدوین متون درسی، اهتمام، دقت و تأمل شایسته مبذول گردد. همچنین دگرگونی و تحول در گرایش‌ها، نیازها، انتظارات، شیوه‌ها و الگوهای تعلیم و تربیت، مسؤولیت متولیان امر آموزش و پژوهش و برنامه‌ریزی درسی را در حوزه افزون می‌سازد تا به صورت مستمر به ارزیابی و ارتقای متون آموزشی در قالب‌ها و الگوهای نو، همت گمارند.

دفتر تدوین متون درسی با عنایت به نکات فوق، تولید محتوای درسی، کمک درسی و راهنمای تدریس در حوزه علوم اسلامی، و همچنین بازبینی و اصلاح متون درسی تدوین شده بر اساس ارزیابی‌های انجام شده را به عنوان مهم‌ترین رسالت، مدّ نظر خویش قرار داده است و از بدو تأسیس تاکنون گام‌هایی را برای

اصلاح و بروز رسانی و متوازن ساختن متون آموزشی به لحاظ استانداردها و متناسب با مقتضیات آموزشی طلاب برداشته است. بدیهی است که رسیدن به آرمان فوق با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و نیروهای انسانی موجود در قالب‌های مختلف (مشاوران، گروه‌های علمی، همکاران و منتقدان)، نظارت و ارزیابی مستمر و دریافت بازخورد از برنامه‌های انجام شده، و فرهنگ‌سازی در جهت ایجاد تلقی صحیح از فرایند تدوین متون آموزشی امکان‌پذیر خواهد بود.

کتاب حاضر نخستین کتاب درسی صرف دانش پژوهان محترم است که متناسب با مرحله‌آشنایی تدوین شده است. و این دفتر برخورد لازم می‌داند تا از تلاش‌های ارزشمند مؤلف اثر استاد گرامی جناب حجت الاسلام فرامرز علیزاده که سالیان متمادی است مشغول تدریس و تحقیق در علوم ادبی به ویژه علم صرف است و گروه ادبیات عربی و ارزیابان و تمام عزیزانی که در امر آماده‌سازی و چاپ کتاب صرف یک با این دفتر همکاری نموده‌اند صمیمانه قدردانی نماید.

امید است این قبیل تلاش‌ها مسیر رشد و بالندگی طلاب و حوزه‌های علمیه روشن‌تر نموده و مورد رضایت حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه التوفیق قرار گیرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

مقدمه مولف.....	۹
-----------------	---

مباحث مقدماتی

درس اول: علم صرف.....	۱۵
درس دوم: بناء و وزن کلمه.....	۱۹

مبحث فعل

درس سوم: تعريف فعل و صيغه‌های آن.....	۲۷
درس چهارم: ماضی (۱).....	۳۱
درس پنجم: ماضی (۲).....	۳۷
درس ششم: مضارع (۱).....	۴۱
درس هفتم: مضارع (۲).....	۴۷
درس هشتم: امر (۱).....	۵۳
درس نهم: امر (۲).....	۵۷
درس دهم: ثلاثی مزید.....	۶۵
درس یازدهم: باب‌های افعال و تفعیل.....	۷۱
درس دوازدهم: باب‌های مفاعله و تفاعل.....	۷۷
درس سیزدهم: باب‌های افتعال و انفعال.....	۸۳
درس چهاردهم: باب‌های تفعّل و استفعال.....	۸۹
درس پانزدهم: رباعی.....	۹۵
درس شانزدهم: معلوم و مجهول.....	۱۰۱

مبحث اسم

- درس هفدهم: مذکر و مؤنث..... ۱۱۱
- درس هجدهم: مفرد، مثنی، جمع..... ۱۱۵
- درس نوزدهم: اسم فاعل..... ۱۱۹
- درس بیستم: اسم مفعول..... ۱۲۳
- درس بیست و یکم: اسم تفضیل و اسم مبالغه..... ۱۲۷

مبحث غیر سالم

- درس بیست و دوم: معتل..... ۱۳۳
- درس بیست و سوم: برخی از قواعد اعلال..... ۱۳۹
- درس بیست و چهارم: مهموز..... ۱۴۳
- درس بیست و پنجم: مضاعف..... ۱۴۷

ملحق

- لغت نامه..... ۱۵۵

مقدمه مؤلف

الامام الصادق (ع):

تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تُكَلَّمُ بِهِ خَلْقُهُ.

خصال، ج ۱، ص ۲۵۸

«ادبیات عربی» از مجموعه علومى تشکیل شده است که هر کدام از زاویه‌ای به «کلمه» و «کلام» عربی نگریسته و حکمی در حیطه وظایف خود بر آن جاری می‌سازند؛ علومى همچون «لغت»، «صرف»، «نحو»، «معانى»، «بیان»، «بدیع» و ... که تفکیک صد در صدی این علوم از هم و ادّعای «تباین کلی» بین این علوم، ادّعای گزاف می‌نماید. اگر نخواهیم نام مهمترین علوم ادبی را به «صرف و نحو» اطلاق کنیم حداقل به واژه «پرکاربردترین» باید رضایت داد.

از کلام اندیشمندان به خوبی به جایگاه علم صرف می‌توان پی برد؛ از «ابن فارس» نقل شده که: «هر کس با علم صرف آشنا نباشد بخش قابل توجهی از فهم زبان و لغت عربی را از دست داده است» یا از «ابن مسعود» نقل شده که: «هر کس که به صرف و نحو آگاهی داشته باشد در فهم قوی می‌گردد و هر کس از آن بی‌بهره باشد در نقل و کاربرد خود دچار گمراهی می‌شود».

علم صرف از اوصاف هیأت و قالب‌های مواد و تغییرات عارض بر آن‌ها بحث می‌کند در مقابل علم نحو که از رابطه قالب‌های مختلف با یکدیگر در پازل جمله بحث می‌کند. به عنوان نمونه، ماده «کُتِبَ» به معنای «نوشتن» اگر در قالب «فَاعِل» حلول کند به صورت «کَاتِب» درآمده و معنای کسی که عمل نوشتن از او صادر شده یعنی «نویسنده» می‌دهد (صرف) و اگر همین کلمه در جمله «جَاءَ كَاتِبٌ» کنار فعل «جَاءَ» قرار گیرد و مسندالیه آن واقع شود اعراب رفع پیدا کرده و عنوان «فاعل» بر آن اطلاق می‌شود (نحو). بنابراین علم صرف، علم قالب‌ها و تغییرات غیر اعرابی آن‌هاست؛ مانند:

قالب «فَاعِل» مانند «کَاتِب» به معنای «نویسنده»

قالب «فُعَال» مانند «کُتَاب» به معنای «نویسندگان»

قالب «مَفْعُول» مانند «مَکْتُوب» به معنای «نوشته»

قالب «مَفْعَل» مانند «مَکْتَب» به معنای «محل فراگیری علم و نوشتن»

و اما در مورد این کتاب:

۱. این کتاب به علم صرف در مرحله آشنایی می‌پردازد. آشنایی با ساختار اصلی علم صرف و مهم ترین مفاهیم آن، از اهداف این کتاب می‌باشد.

۲. یکی از عوامل دلزدگی فراگیر نسبت به ادبیات عربی، حس بی ضابطه و بی قانون بودن این علم است؛ از عوامل پیدایش این حس، ذکر بی جا و زود هنگام موارد «سماعی» به فراگیر است. لذا در این کتاب به جز موارد نادر، هیچ اشاره‌ای به موارد سماعی نشده و سعی بر برجسته سازی بخش های «قیاسی» این زبان بوده است.

۳. سعی بر این بوده تا جایی که خللی علمی بر تعاریف ارائه شده وارد نشود از واژه‌ها و اصطلاحات پیچیده استفاده نشود و نثری روان و ساده ارائه گردد.

۴. اگر فراگیری اصل «واژه» ای مورد عنایت بوده، در بخش «خلاصه درس» مورد استفاده قرار گرفته و در متن، «معادل روان» آن به کار رفته است.

۵. تنوع مثال‌ها و ترجمه آنها و نیز ترجمه لغات، موجب تشکیل و تکمیل گنجینه لغات فراگیر می‌شود.

۶. شاید در نگاه اول، کثرت جدول‌ها کمی ملال آور به نظر برسد ولی در این سطح که مخاطب نیازمند پی‌گیری و مشاهده تغییرات تک تک صیغه‌های مختلف افعال است موجب تسهیل در آموزش می‌شود. ۷. کتاب پس از طرح مسائل اولیه، به دو بخش فعل و اسم تقسیم شده و سپس مبحث غیر سالم مطرح گردیده است.

۸. فراگیری ادبیات عربی وقتی شیرین می‌نماید که ثمره آن موجب فهم و درک درست از متون دینی شود. جهت تسریع در این امر و استفاده حداکثری از پیام های اخلاقی آیات و روایات شریفه ترجمه تمامی آن‌ها در پاورقی ذکر شده است.

۹. با برگزاری کمیسیون‌های تخصصی، نظرات اصلاحی اساتید صاحب نام و فاضل «حفظهم الله تعالی» در یافت شده و این اثر و ام دار این خرد جمعی است.

۱۰. زمینه سازی و فراهم نمودن مقدمات فراوانی توسط دست اندرکاران پشت صحنه لازم است تا مؤلفی دست به «تألیف» بزند که جا دارد از تمامی این دست اندرکاران تشکر و قدردانی شود.

۱۱. هر اثری که زائیده فکر بشری باشد عاری از اشتباه و خطا نیست. امید است اساتید محترم با راهنمایی‌های خود ما را در تکمیل آن یاری رسانند. اساتید محترم می‌توانند نقطه نظرات خویش را از طریق پایگاه اینترنتی www.tmd.ir ارسال فرمایند. امید است این ناچیز مقبول مولا و ولی نعمتمان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه قرار گرفته باشد.

فرامرز علیزاده
تابستان ۱۳۹۵

استاد محترم

آموزش صرف در سه مرحله انجام می‌پذیرد.

۱- مرحله **آشنایی**؛ کتاب حاضر (برای مقطع سیکل حداکثر ۴۰ ساعت و بالاتر از سیکل حداکثر ۳۰ ساعت)

۲- مرحله **شناخت**؛ کتاب علم صرف

۳- مرحله **تکمیلی**؛ صرف کاربردی، کارگاه علم صرف

کتاب حاضر «**درآمدی بر علم صرف**» بر اساس سرفصل‌های مصوب و با هدف آشنایی اجمالی طلاب با ساختار کلی علم صرف و متناسب با مرحله آشنایی، تدوین شده است.

لطفاً به هیچ عنوان مباحث فراتر از آن چه که در کتاب آمده است را در این مرحله، مطرح نفرمایید.

در صورت آگاهی طلاب به مباحث کتاب و موفقیت در آزمون، الزامی به برگزاری کلاس آن تا سقف ساعت مصوب نمی‌باشد.

مباحث مقدماتی

دفتر تدوین متن درسی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس اوّل

علم صرف

این درس به :

* تعریف علم صرف؛ * بیان فایده و موضوع آن؛ * تعریف کلمه و اقسام آن؛
خواهد پرداخت.

مقدمه

«صرف» و «نحو» از مهم‌ترین علوم ادبیات عربی می‌باشند که در عین اشتراکاتی که با هم دارند، هر کدام عهده‌دار وظایف مختص به خوداند. وظیفه علم صرف، بررسی حالات «کلمه» به تنهایی و بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با کلمات دیگر است، در حالی که وظیفه علم نحو، بررسی نقش و جایگاه کلمه در جمله و ارتباط میان کلمات است.^۱

کتاب حاضر به مباحث «علم صرف» در حد «آشنایی» خواهد پرداخت.

تعریف علم صرف

در زبان عربی، بسیاری از کلمات از صورتی به صورت دیگر «تغییر» می‌یابند. این تغییر گاهی برای به دست آوردن معانی مورد نظر و گاهی فقط مربوط به لفظ است؛ برای مثال، کلمه «نَصْر» (یاری کردن) به صورت‌های نَصْر، یَنْصُر، أَنْصُر، نَاصِر، مَنْصُور و... تغییر داده می‌شود تا به ترتیب معانی: یاری کرد، یاری می‌کند، یاری کن، یاری کننده، یاری شده و... به دست آید یا کلمه «قَوْل» (گفت) جهت ایجاد سهولت در تلفظ به صورت «قَالَ» (گفت) تغییر می‌کند. این تغییرات براساس قواعدی است که «علم صرف» آن‌ها را بیان می‌کند.

۱. به عبارت بهتر، علم نحو از «حالات اعرابی کلمه» بحث می‌کند.

بنابراین علم صرف دانشی است که از قواعد مربوط به ساختار کلمات و تغییرات آن‌ها بحث می‌کند.

موضوع علم صرف

موضوع علم صرف «کلمه» از جهت ساختمان و تغییرات مربوط به آن می‌باشد.

فایده علم صرف

فراگیری علم صرف دو فایده مهم دارد:

- ۱- آشنایی با ساختار و تغییرات کلمات و به عبارت دیگر «کلمه‌شناسی»؛
- ۲- ساختن کلمات جدید برای معانی مورد نظر و به عبارت دیگر «کلمه‌سازی».

تعریف کلمه

کلمه، لفظی است که دارای معنا باشد؛ مانند:

جِدَار (دیوار)، ضَرَبَ (زد)، مِنْ (از).

اقسام کلمه

کلمه بر سه قسم است: **فعل**، **اسم** و **حرف**.

فعل کلمه‌ای است که به «معنای مستقل» دلالت می‌کند و آن معنا، با یکی از زمان‌های سه‌گانه همراه است؛ مانند:

نَصَرَ (یاری کرد)، يَنْصُرُ (یاری می‌کند)، اُنْصُرْ (یاری کن).

اسم کلمه‌ای است که به «معنای مستقل» دلالت می‌کند و آن معنا، با یکی از زمان‌های سه‌گانه (گذشته، حال، آینده) همراه نیست؛ مانند:

اَللّٰه (خدا)، نَصْر (یاری کردن).

حرف^۱ کلمه‌ای است که «معنای غیرمستقل» دارد؛ یعنی تا وقتی که به کلمه‌های دیگری ضمیمه نشود، تصوّر کامل و تامّی از آن در ذهن حاصل نمی‌شود، مانند «مِنْ» (از) و «إِلَى» (به) در جمله ذَهَبْتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى الْحَرَمِ (از مدرسه به حرم رفتم).

۱. از آنجا که علم صرف درباره تغییرات کلمه بحث می‌کند و چون در حرف، تغییر صرفی راه ندارد از دایره مباحث اصلی علم صرف خارج است؛ بنابراین مباحث علم صرف در دو بخش فعل و اسم بیان می‌شود.

خلاصه درس

- * علم صرف، دانشی است که از قواعد ساختمان و هیئت کلمات و تغییرات آن‌ها بحث می‌کند.
- * موضوع علم صرف «کلمه» است بدون در نظر گرفتن رابطه آن با کلمات دیگر و جایگاه آن در جمله.
- * فعل کلمه‌ای است که معنای مستقلی داشته و مقتدر به زمان است.
- * اسم کلمه‌ای است که معنای مستقلی داشته و مقتدر به زمان نیست.
- * حرف کلمه‌ای است که معنای مستقلی ندارد.

پرسش و تمرین

- ۱- علم صرف را تعریف کنید.
 - ۲- «انواع تغییرات» کلمه را توضیح دهید.
 - ۳- اقسام کلمه را نام ببرید و فرق آن‌ها را بنویسید.
 - ۴- چرا «حرف» از دایره مباحث اصلی علم صرف خارج است؟
 - ۵- در کلمات قرآنی ذیل، اسم و فعل و حرف را مشخص کنید.
- ظَلَمْتُ** (ظلم کردم)، **بَصِير** (بینا)، **يَخْرُجُونَ** (خارج می‌شوند)، **عَنْ** (از)
- إِذْهَبْ** (برو)، **الْحَجَر** (سنگ)، **لِ** (برای)، **ذَنْب** (گناه)
- يَعْلَم** (می‌داند)، **صَبَرَ** (صبر کرد)، **أَذْكُرُوا** (به یاد آورید)، **فِي** (در)

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس دوم

بناء و وزن کلمه

این درس به:

* تعریف حروف اصلی و زاید؛ * بناهای فعل و اسم؛ * تعریف قواعد وزن؛
خواهد پرداخت.

موضوع علم صرف «کلمه» است. بیشتر کلمات عربی دارای «خانواده» اند؛ مانند:

عَبْدٌ، يَعْبُدُ، عَابِدٌ، مَعْبُودٌ و ...؛

وَسْوَاسٌ^۱، يُوسِّسُ، وَسْوَاسٌ، مُوسِّسٌ و ...؛

سَفَرٌ، سَفَرٌ، سَفَرٌ جَلِيٌّ و ...

با بررسی کلمات هم خانواده در می‌یابیم که برخی از حروف در همه آن‌ها «تکرار» شده‌اند؛ مانند:

حروف «ع ب د» در گروه اول

حروف «و س و س» در گروه دوم

حروف «س ف ر ج ل» در گروه سوم

به این دسته از حروف «حروف اصلی»^۲ گویند. در مقابل، به حرف یا حروفی که تنها در بعضی از کلمات

هم خانواده وجود دارند «حروف زاید» گویند؛ مانند:

۱. پرستید.

۲. وسوسه کرد.

۳. میوه‌ی «به».

۴. به حروف اصلی، «ماده»، «ریشه» و «اصل» نیز گفته می‌شوند.

حرف های	« ی ا م و »	در گروه اول
حرف های	« ی ا م »	در گروه دوم
حرف های	« ئ »	در گروه سوم

ساختمان (بناء) فعل

فعل یا دارای سه حرف اصلی است که به آن «**ثلاثی**»، یا دارای چهار حرف اصلی که به آن «**رباعی**» گویند. اگر صیغه اول ماضی آن بدون حرف زاید باشد به آن «**مجزّد**» و اگر دارای حرف زاید باشد به آن «**مزید فیه**» یا اختصاراً «**مزید**» گویند؛ مانند:

فعل			
ثلاثی		رباعی	
مجزّد	مزید	مجزّد	مزید
كَرَّمَ ^۱	أَكْرَمَ	دَخَرَ ^۲	تَدَخَّرَ ^۳

ساختمان (بناء) اسم

اسم یا دارای سه حرف اصلی است که به آن «**ثلاثی**»، یا دارای چهار حرف اصلی است که به آن «**رباعی**» و یا دارای پنج حرف اصلی است که به آن «**خماسی**» گویند. هریک از این ها یا بدون حرف زاید است که به آن «**مجزّد**»، یا دارای حرف زاید است که به آن «**مزید فیه**» گویند؛ مانند:

اسم					
ثلاثی		رباعی		خماسی	
مجزّد	مزید	مجزّد	مزید	مجزّد	مزید
رَجُلٌ ^۴	رِجَالٌ	جَعَفَرٌ ^۵	جَعَاظِرٌ	سَفَرَجَلٌ	سَلْسَبِيلٌ ^۶

۱. عزیز شد.

۲. غلطانید.

۳. مرد.

۴. رود، رود خانه، نام شخص.

۵. چشمه ای در بهشت.

تعريف وقواعد وزن

پس از مراجعه به کلمات هم خانواده و تشخیص حروف اصلی و زاید، برای سهولت در «فرایند یاد دهی و یادگیری» از «**علائم رمزی**» به نام «**وزن**» جهت «**نشان دادن**» و تمییز این حروف از یکدیگر استفاده می‌شود به شرح ذیل:

رمز اولین حرف اصلی ← ف	(به نام فاء الفعل)
رمز دومین حرف اصلی ← ع	(به نام عين الفعل)
رمز سومین حرف اصلی ← ل	(به نام لام الفعل)
رمز چهارمین حرف اصلی ← ل	(به نام لام الفعل دوم)
رمز پنجمین حرف اصلی ← ل	(به نام لام الفعل سوم)

با جانشینی این حروف، به جای حروف اصلی و مطابقت در حرکات و سکانات با کلمه مورد نظر، آن چه به دست می آید به نام «وزن» خوانده می شود، مانند:

ذَ ↓ لام الفعل لَ	بَ ↓ عين الفعل عَ	عَ ↓ فاء الفعل فَ	بروزن ←		
سَ ↓ لام الفعل دؤم لَ	وَ ↓ لام الفعل اوّل لَ	شَ ↓ عين الفعل عَ	وَ ↓ فاء الفعل فَ	بروزن ←	
لَ ↓ لام الفعل سوم لَ	جَ ↓ لام الفعل دؤم لَ	زَ ↓ لام الفعل اوّل لَ	فَ ↓ عين الفعل عَ	سَ ↓ فاء الفعل فَ	بروزن ←

نکته

اگر در کلمه‌ای حرف زاید بود، خود آن زاید در وزن آورده می‌شود؛ مانند:

يَعْبُدُ	بر وزن	يَفْعُلُ
وَسْوَاسٍ	بر وزن	فَعْلَالٍ
سَلْسِيلٍ	بر وزن	فَعْلِيلٍ

اگر حرف زاید تکرار حرف اصلی باشد، هنگام وزن، حرفی که مقابل حرف اصلی قرار می‌گیرد تکرار

می‌شود؛ مانند:

صَدَّقَ ^۱	بر وزن	فَعَّلَ
----------------------	--------	---------

لفظ به دست آمده را «وزن» و کلمه مورد نظر را «موزون» می‌گویند.^۲

دفتر نشر معارف
وزن درسی حوزه های علمیه

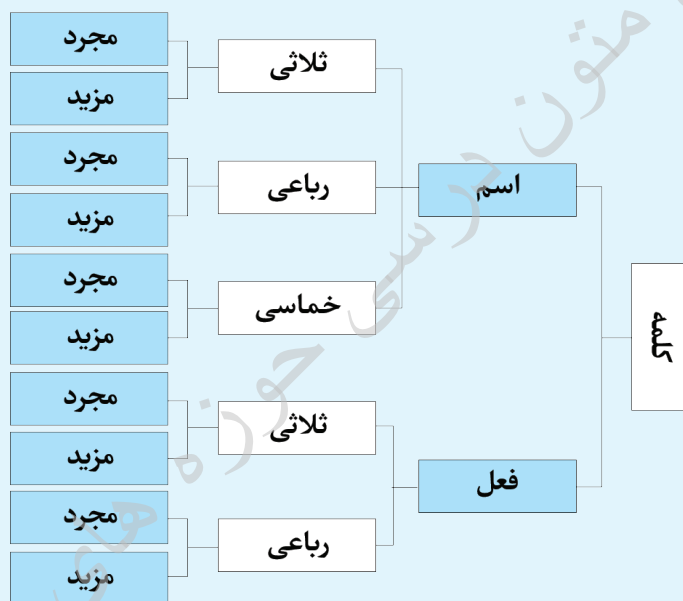
۱. تصدیق کرد، راستگو شمرد.

۲. در برخی از موارد، به خاطر اجرای قوانین صرفی، در کلمه تغییراتی مانند «حذف»، «قلب» و... صورت می‌گیرد که قواعد مربوط به وزن آن‌ها در صرف ۲ خواهد آمد.

خلاصه درس

* برای نشان دادن «حروف اصلی و زاید کلمات» از علائم «رمز گونه» ای به نام «وزن» استفاده می شود.

* اسم دارای شش بناء و فعل دارای چهار بناء است.



پرسش و تمرین

۱. کاربرد وزن چیست؟
۲. اسم و فعل، هر کدام دارای چند بناء هستند؟
۳. وزن کلمات زیر چیست؟
«غَفِرَ، يَغْفِرُ، غُفْرَانٌ، مَغْفِرَةٌ، غُفُورٌ، غَفَّارٌ، غَافِرٌ، اسْتَغْفَرَ»
۴. حروف اصلی داده شده را در قالب وزن های خواسته شده، بیان کنید.
ش ه د: فَعْلٌ، يَفْعُلُ، فُعُولٌ، فَعَالَةٌ، فَاعِلٌ، مَفْعُولٌ، فاعِلٌ، مُفَاعَلَةٌ، فَعِيلٌ، مَفْعَلٌ
۵. حروف اصلی و زاید کلمات موزون زیر را با توجه به وزن ذکر شده معین کنید.
صَبُورٌ = فَعُولٌ تَرْجِيمٌ = تَفْعِيلٌ تِجَارَةٌ = فِعَالَةٌ كِرَاهِيَةٌ = فَعَالِيَةٌ
جَهْوَرٌ = فُعُولٌ شَيْطَانَةٌ = فَيْعَلَةٌ قِرْمَزٌ = فِعْلِلٌ جَحْمَرِشٌ¹ = فَعْلَلِلٌ
اِقْتِمَاحٌ² = اِفْتِعَالٌ كُهُولَةٌ = فُعُولَةٌ يُلُونٌ = يُفْعَلُ
۶. برای اوزان ذیل، موزون مناسب ذکر کنید.

فَعْلٌ	فَعِيلٌ	فَاعِلٌ	مَفْعُولٌ	يَفْعُلُ
.....				
.....				
.....				

۱. پیرزن
۲. رسیدن و سفت شدن گندم.

مبحث فعل

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس سوم

تعریف فعل و صیغه های آن

این درس به:

* تقسیمات مختلف فعل و ملاک تنوع آن؛

خواهد پرداخت.

«فعل»

فعل کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و مقتدرین به یکی از زمان‌های سه‌گانه است. این معنای مستقل می‌تواند «انجام کار» مانند «ضَرَبَ» (زدن) یا «داشتن حالتی» مانند «حُزن» (ناراحت شدن) باشد. * تقسیم فعل به اعتبار «زمان» وقوع این معنای مستقل در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده باعث ایجاد افعال سه‌گانه ماضی، مضارع و امر می‌شود.

* تقسیم فعل به اعتبار «حالت‌های فاعل»

هر «کاری» نیازمند «انجام دهنده» و هر «حالتی» نیازمند «دارنده آن حالت» است که از آن‌ها به «فاعل» تعبیر می‌شود. در مثال «ضَرَبَ عَلِيٌّ» عمل «زدن» توسط «علی» در «گذشته» صورت گرفته است. حالت‌های مختلف فاعل^۱، باعث ایجاد تنوع و تقسیمات مختلف در فعل شده است که به هر کدام از آن‌ها «صیغه» گفته می‌شود.

۱. حالات مختلف «نائب فاعل» نیز باعث ایجاد تقسیمات مختلف در فعل می‌شود که در درس شانزدهم خواهد آمد.

«حالت‌های فاعل»

فاعل:

- الف) یا «حاضر نیست» که به آن «غائب» می‌گویند، مانند: او، آنها؛
 ب) یا «شنونده»^۱ است که به آن «مخاطب» می‌گویند، مانند: تو، شما؛
 ج) یا «خود گوینده» است که به آن «متکلم» می‌گویند، مانند: من، ما.

هر کدام از غائب و مخاطب

- الف) یا «نر» است که به آن «مذکر» می‌گویند؛
 ب) یا «ماده» است که به آن «مؤنث» می‌گویند.

هر کدام از مذکر و مؤنث

- الف) یا «یکی» است که به آن «مفرد» می‌گویند؛
 ب) یا «دوتا» است که به آن «مثنی» می‌گویند؛
 ج) یا «بیش از دوتا» است که به آن «جمع» می‌گویند.

متکلم

- الف) یا از «فعل خود» سخن می‌گوید که به آن «متکلم وحده» می‌گویند؛
 ب) یا از «فعل خود به همراه دیگری» سخن به میان می‌آورد که به آن «متکلم مع الغیر» می‌گویند.

۱. مقصود، شنونده ای است که «مورد خطاب» قرار گرفته است.

جدول حالات مختلف فاعل در صیغه های فعل^۱

جنس	تعداد	شماره	معادل فارسی فاعل ها
مذکر	مفرد	۱	آن (یک مرد)
	مثنی	۲	آن ها (دو مرد)
	جمع	۳	آن ها (مردان)
مؤنث	مفرد	۴	آن (یک زن)
	مثنی	۵	آن ها (دو زن)
	جمع	۶	آن ها (زنان)
مذکر	مفرد	۷	تو (یک مرد)
	مثنی	۸	شما (دو مرد)
	جمع	۹	شما (مردان)
مؤنث	مفرد	۱۰	تو (یک زن)
	مثنی	۱۱	شما (دو زن)
	جمع	۱۲	شما (زنان)
۱	وحده	۱۳	من
	مع الغیر	۱۴	ما

۱. حفظ شماره صیغه ها، ضروری است.

خلاصه درس

هر فعلی چهارده صیغه دارد که این صیغه‌ها به خاطر حالات و اشکال مختلف فاعل به دست آمده‌اند؛ به عنوان مثال فعل «مفرد مذکر غائب» فعلی است که فاعل آن یک نفر، مرد بوده و غائب است.

پرسش و تمرین

- ۱- ملاک تقسیم‌بندی فعل به ماضی، مضارع و امر چیست؟
- ۲- مراد از «صیغه فعل» چیست؟
- ۳- ترجمه متکلم وحده و مع الغیر به فارسی چیست؟
- ۴- قید «معنای مستقل» را در جمله ذیل توضیح دهید.
«فعل کلمه‌ای است که معنای مستقلی دارد و مقتدرن به زمان است».

درس چهارم

ماضی (۱)

این درس به:

* چگونگی ساخت صیغه‌های مختلف فعل ماضی؛

خواهد پرداخت.

مقدمه

فعل ماضی فعلی است که بر معنای مستقلی در زمان گذشته دلالت می‌کند؛ در این درس به نحوه ساخت چهارده صیغه آن می‌پردازیم.

صیغه اول ماضی ثلاثی مجزّد از «مصدر» گرفته می‌شود و دارای سه وزن است: **فَعَلَ**، **فَعِلَ**، **فَعُلَ**؛ مانند:

ضَرَبَ (آن یک مرد) زد؛

شَهِدَ (آن یک مرد) تأیید کرد؛

كَرَّمَ (آن یک مرد) عزیز شد؛

مثال‌ها به ترتیب از «ضَرَبَ»، «شَهِدَ» و «كَرَّمَ» ساخته شده‌اند.

۱. مصدر اسمی است که فقط بر انجام کار یا داشتن حالتی دلالت می‌کند بدون این که هیچ دلالتی بر زمان، عدد و ... داشته باشد، مانند: قَتَلَ (کشتن). این معنای خالص و بدون قید و شرط، ماده اولیه ساخت فعل می‌باشد.

کیفیت ساخت صیغه‌ها

صیغه اول (مفرد مذکر غائب): از مصدر گرفته می‌شود. برای ساختن آن، حرف زاید مصدر را -اگر دارای حرف زایدی است- حذف نموده و فاء الفعل و لام الفعل را مفتوح می‌کنیم. حرکت عین الفعل از قانون خاصی تبعیت نمی‌کند و اصطلاحاً «**سماعی**»^۱ است و با مراجعه به کتب لغت حرکت آن را مشخص می‌کنیم که فتحه یا کسره و یا ضمه است.

ضَرَبَ ← ضَرَبَ

شَهِدَ ← شَهِدَ

كَرَّمَ ← كَرَّمَ

صیغه دوم (مثنی مذکر غائب): با اضافه کردن «ا» به آخر صیغه اول.

فَعَلَ ← فَعَلَا

صیغه سوم (جمع مذکر غائب): با اضافه کردن «و» به آخر صیغه اول و مضموم کردن لام الفعل.

فَعَلَ ← فَعَلُوا

صیغه چهارم (مفرد مؤنث غائب): با اضافه کردن «ث» به آخر صیغه اول.

فَعَلَ ← فَعَلَتْ

صیغه پنجم (مثنی مؤنث غائب): با اضافه کردن «تا» به آخر صیغه اول.

فَعَلَ ← فَعَلْنَا

صیغه ششم (جمع مؤنث غائب): با اضافه کردن «ن» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل

فَعَلَ ← فَعَلْنَ

صیغه هفتم (مفرد مذکر مخاطب): با اضافه کردن «ت» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل

فَعَلَ ← فَعَلْتَ

صیغه هشتم (مثنی مذکر مخاطب): با اضافه کردن «تُما» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل

فَعَلَ ← فَعَلْتُمَا

۱. در ادبیات عرب، سماعی بودن به معنای آن است که با بررسی جزئیات مختلف و متعدّد نتوانسته‌ایم «فرمول» و «قاعده»‌ای را استخراج کنیم که بر «همه» و یا لاقط «غالب» جزئیات منطبق باشد؛ به عبارت دیگر سماعی بودن به معنای آن است که ما در تک تک این موارد نیازمند مراجعه به استعمال عرب هستیم. در مقابل سماعی، «قیاسی» قرار دارد.

صیغه نهم (جمع مذکر مخاطب): با اضافه کردن «تُمْ» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل

فَعَلْتُمْ ←

صیغه دهم (مفرد مؤنث مخاطب): با اضافه کردن «تِ» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل

فَعَلْتِ ←

صیغه یازدهم (مثنی مؤنث مخاطب): با اضافه کردن «تُمَا» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل.

فَعَلْتُمَا ←

صیغه دوازدهم (جمع مؤنث مخاطب): با اضافه کردن «تُنَّ» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام

الفعل.

فَعَلْتُنَّ ←

صیغه سیزدهم (متکلم وحده): با اضافه کردن «تُ» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل.

فَعَلْتُ ←

صیغه چهاردهم (متکلم مع الغير): با اضافه کردن «نا» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل.

فَعَلْنَا ←

صرف سه وزن «فَعَلَ، فَعِلَ، فَعُلَ» به این شرح است:

جنس	تعداد	شماره	عين الفعل ـ	عين الفعل ـ	عين الفعل ـ
مذكر غائب	مفرد	۱	فَعَلَ	فَعِلَ	فَعُلَ
	مثنی	۲	فَعَلَا	فَعِلَا	فَعُلَا
	جمع	۳	فَعَلُوا	فَعِلُوا	فَعُلُوا
	مفرد	۴	فَعَلْتُ	فَعِلْتُ	فَعُلْتُ
	مثنی	۵	فَعَلْتَا	فَعِلْتَا	فَعُلْتَا
	جمع	۶	فَعَلْنَ	فَعِلْنَ	فَعُلْنَ
مذكر مخاطب	مفرد	۷	فَعَلْتَ	فَعِلْتَ	فَعُلْتَ
	مثنی	۸	فَعَلْتُمَا	فَعِلْتُمَا	فَعُلْتُمَا
	جمع	۹	فَعَلْتُمْ	فَعِلْتُمْ	فَعُلْتُمْ
	مفرد	۱۰	فَعَلْتَ	فَعِلْتَ	فَعُلْتَ
	مثنی	۱۱	فَعَلْتُمَا	فَعِلْتُمَا	فَعُلْتُمَا
	جمع	۱۲	فَعَلْتُمْ	فَعِلْتُمْ	فَعُلْتُمْ
مؤنث	وحده	۱۳	فَعَلْتُ	فَعِلْتُ	فَعُلْتُ
	مع الغير	۱۴	فَعَلْنَا	فَعِلْنَا	فَعُلْنَا

تذکر

در صیغه‌های افعال ماضی، صیغه هشتم و یازدهم دارای شکل واحدی هستند که برای تشخیص هر یک باید به قرائن توجه نمود.

خلاصه درس

- * فعل ماضی ثلاثی مجزّد از مصدر ساخته می‌شود و دارای سه وزن «فَعَلَ ، فَعِلَ ، فَعِلَ» است.
- * حرکت عین الفعل ماضی، «سماعی» است و باید برای تعیین آن‌ها به کتب لغت مراجعه نمود.

پرسش و تمرین

- ۱- اصطلاح سماعی را توضیح دهید.
- ۲- برای هر کدام از اوزان «فَعَلَ ، فَعِلَ ، فَعِلَ» سه فعل قرآنی بیابید.
- ۳- چهارده صیغه فعل‌های «تَرَكَ ، رَجِمَ ، كَبَّرَ» را صرف کنید.
- ۴- صیغه و معنای فعل‌های زیر را بیان کنید.
خَلَقْنَا ، عَجَزْتُ ، خَرَجْتُمَا ، عَبْدُثْنٍ ، عَظُمْتُ
- ۵- برای معانی زیر، صیغه‌های مناسب ذکر کنید.
داخل شدم ، (شما مردان) باز کردید ، (زنان) رفتند ، (آن یک مرد) یاری کرد.

- ۶- در آیات زیر، شماره صیغه، ماده و وزن کلمات رنگی را بنویسید.^۱
- * ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا...﴾^۲
- * ﴿يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ﴾^۳...
- * ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾^۴

۱. جهت استفاده هر چه بیشتر از مضامین و پیام‌های اخلاقی آیات و روایات شریفه، ترجمه آن‌ها در پاورقی ذکر شده است. در ترجمه آیات نورانی قرآن کریم از ترجمه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) بهره جسته‌ایم. در ترجمه روایات شریفه از کتب متعددی همچون «نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی» مرحوم آیت الله مهدوی کنی، «سیره نبوی» دکتر دلشاد تهرانی، «دانش نامه احادیث پزشکی» و «حکمت نامه کودک» حجة الاسلام والمسلمین ری شهری استفاده کرده‌ایم.

۲. احزاب: ۷۲؛ ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهی) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم آن‌ها از حمل آن سر برتافتند.

۳. بقره: ۵۴؛ ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید.

۴. بلد: ۱۹؛ و کسانی که آیات ما را انکار کرده‌اند افرادی شومند.

درس پنجم

ماضی (۲)

این درس به:

* تعریف ضمیر و کاربرد آن؛ * اقسام آن؛ * ضمایر فعل ماضی؛
خواهد پرداخت.

مقدمه

در درس قبل کیفیت ساختن چهارده صیغه فعل ماضی بیان شد؛ در این درس به چند نکته تکمیلی اشاره خواهد شد.

هر فعل معلومی به فاعل احتیاج دارد. فاعل بر دو قسم است:

الف) اسم ظاهر مانند: «عَلِیٌّ» در «سَمِعَ عَلِیٌّ» (علی شنید)؛

ب) ضمیر مانند: «ا» در «سَمِعَا» (آن دو مرد شنیدند).

۱- تعریف ضمیر

عبارت «سعید رفت در حالی که برای سعید دعا می خواندم» را با عبارت «سعید رفت در حالی که برای او (برایش) دعا می خواندم» مقایسه کنید. در عبارت دوم، کلمه «او» (ـَ ش) به جای «سعید» قرار گرفته است، این چنین کلماتی که به جای اسم ظاهر به کار می روند، «ضمیر» نامیده می شوند.

۲- تقسیم ضمیر

ضمیر بر دو قسم است: بارز (آشکار)، مستتر (پنهان)

ضمایر بارز، ضمایری هستند که «صورت قابل مشاهده ای» داشته و آشکاراند؛ در مقابل ضمایر مستتر، به دلیل «پنهان» بودن آن ها در کلمه، قابل رؤیت نیستند.

علامت‌هایی که به آخر صیغه اول ماضی متصل شده‌اند، ضمائر بارز هستند به جز «ت» در صیغه چهارم و پنجم^۱ که فقط «علامت تانیث» فاعل است. ضمیر در دو صیغه اول و چهارم «مستتر» است که به ترتیب «هُوَ» و «هِيَ» می‌باشد.

ضمایر فعل ماضی

جنس	تعداد	شماره	ضمیر	نوع ضمیر
مذکر	مفرد	۱	هُوَ	مستتر
	مثنی	۲	ا	بارز
	جمع	۳	و	بارز
مؤنث	مفرد	۴	هِيَ	مستتر
	مثنی	۵	ا	بارز
	جمع	۶	نَ	بارز
مذکر	مفرد	۷	تَ	بارز
	مثنی	۸	تُما	بارز
	جمع	۹	تُم	بارز
مؤنث	مفرد	۱۰	تَ	بارز
	مثنی	۱۱	تُما	بارز
	جمع	۱۲	تُنن	بارز
مختل	وحده	۱۳	تُ	بارز
	مع الغیر	۱۴	نا	بارز

۱. با توجه به اینکه «الف» همیشه ساکن بوده و ما قبل آن مفتوح می‌شود در صیغه پنجم «تاء تانیث» حرکت فتحه گرفته است.

جدول «ضمایر بارز» در چهارده صیغه فعل «بَلَّغَ»^۱

شماره صیغه	حروف اصلی	علامت تأنیث	ضمایر بارز
۱	بَلَّغَ	ث ت	ا و ا ن ت يَا يَا يَا يَا يَا يَا يَا يَا يَا يَا
۲	بَلَّغْتَ		
۳	بَلَّغُوا		
۴	بَلَّغْتُمْ		
۵	بَلَّغُوا		
۶	بَلَّغْتُمْ		
۷	بَلَّغُوا		
۸	بَلَّغْتُمْ		
۹	بَلَّغُوا		
۱۰	بَلَّغْتُمْ		
۱۱	بَلَّغُوا		
۱۲	بَلَّغْتُمْ		
۱۳	بَلَّغُوا		
۱۴	بَلَّغْتُمْ		

۱. رسید (به چیزی).

خلاصه درس

- * هر فعلی، نیازمند فاعل است. فاعل یا اسم ظاهر است یا ضمیر.
- * ضمیر اسمی است که به جای اسم ظاهر می‌نشیند.
- * ضمیر یا بارز است یا مستتر.
- * علامت‌هایی که به آخر صیغه اول ماضی متصل شده‌اند، ضمائر بارزاند به جز «ث» در صیغه چهارم و پنجم.

پرسش و تمرین

- ۱- «ضمیر» را تعریف کنید.
- ۲- چهارده صیغه فعل «نَفَع» را در جدولی همانند جدول صفحه ۳۹ وارد کنید.
- ۳- ضمائر افعال قرآنی ذیل را مشخص کنید.
دَخَلْتُمْ، ضَعَفَ، جَعَلُوا، رَبَطْنَا، طَفِقَا، رِبِحْتُ، خَرَجْنَا

درس ششم

مضارع (۱)

این درس به:

* چگونگی ساخت صیغه‌های مختلف فعل مضارع؛

خواهد پرداخت.

مقدمه

فعل مضارع فعلی است که بر معنای مستقلى دلالت کرده و مقتدرين به زمان حال يا آینده است؛ در این درس به نحوه ساخت چهارده صیغه آن می‌پردازیم.

صیغه اول مضارع معلوم ثلاثی مجزدا از «ماضی» آن گرفته می‌شود و دارای سه وزن است: **يَفْعُلُ**، **يَفْعِلُ**، **يَفْعَلُ**؛ مانند:

يَشْهَدُ (آن یک مرد) تأیید می‌کند؛

يَضْرِبُ (آن یک مرد) می‌زند؛

يَكْرُمُ (آن یک مرد) عزیز می‌شود؛

مثال‌ها به ترتیب از «شَهِدَ»، «ضَرَبَ»، «كَرَّمَ» ساخته شده‌اند.

کیفیت ساخت صیغه‌ها

صیغه اول: از ماضی ساخته می‌شود. برای ساختن آن ابتدا یاء مفتوحه‌ای «يَ» بر سر صیغه اول ماضی درآورده و فاء الفعل را ساکن و لام الفعل را مضموم می‌کنیم. حرکت عین الفعل - همانند ماضی - سماعی و نیازمند مراجعه به کتب لغت^۱ است.

۱. در یک مورد برای تعیین حرکت عین الفعل نیازی به مراجعه به کتب لغت نیست و آن هنگامی است که فعل ماضی بر وزن «فَعَّلَ» باشد که حتماً مضارع آن بر وزن «يَفْعِلُ» استعمال می‌شود.

صیغه دوم: با اضافه کردن «ان» به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← يَفْعَلَانِ

صیغه سوم: با اضافه کردن «ون» به آخر صیغه اول.

يَفْعَلُ ← يَفْعَلُونَ

صیغه چهارم: با تبدیل حرف مضارعه «ی» به «ت».

يَفْعَلُ ← تَفْعَلُ

صیغه پنجم: با تبدیل «ی» به «ت» و اضافه کردن «ان» به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← تَفْعَلَانِ

صیغه ششم: با اضافه کردن «ن» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← يَفْعَلْنَ

صیغه هفتم: با تبدیل حرف مضارعه «ی» به «ت».

يَفْعَلُ ← تَفْعَلُ

صیغه هشتم: با تبدیل «ی» به «ت» و اضافه کردن «ان» به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← تَفْعَلَانِ

صیغه نهم: با تبدیل «ی» به «ت» و اضافه کردن «ون» به آخر صیغه اول.

يَفْعَلُ ← تَفْعَلُونَ

صیغه دهم: با تبدیل «ی» به «ت» و اضافه کردن «ین» به آخر صیغه اول و مکسور کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← تَفْعَلَيْنِ

صیغه یازدهم: با تبدیل «ی» به «ت» و اضافه کردن «ان» به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← تَفْعَلَانِ

صیغه دوازدهم: با تبدیل «ی» به «ت» و اضافه کردن «ن» به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل.

يَفْعَلُ ← تَفْعَلْنَ

صیغه سیزدهم: با تبدیل «ی» به «أ».

يَفْعَلُ ← أَفْعَلُ

صیغه چهاردهم: با تبدیل «ی» به «ن».

يَفْعَلُ ← نَفْعَلُ

جدول صرف فعل مضارع

جنس	تعداد	شماره	عين الفعل ـ	عين الفعل ـ	عين الفعل ـ
مذكر	مفرد	١	يَفْعُلُ	يَفْعُلُ	يَفْعُلُ
	مثنى	٢	يَفْعُلَانِ	يَفْعُلَانِ	يَفْعُلَانِ
	جمع	٣	يَفْعُلُونَ	يَفْعُلُونَ	يَفْعُلُونَ
	مفرد	٤	تَفْعُلُ	تَفْعُلُ	تَفْعُلُ
	مثنى	٥	تَفْعُلَانِ	تَفْعُلَانِ	تَفْعُلَانِ
	جمع	٦	يَفْعُلْنَ	يَفْعُلْنَ	يَفْعُلْنَ
مذكر	مفرد	٧	تَفْعُلُ	تَفْعُلُ	تَفْعُلُ
	مثنى	٨	تَفْعُلَانِ	تَفْعُلَانِ	تَفْعُلَانِ
	جمع	٩	تَفْعُلُونَ	تَفْعُلُونَ	تَفْعُلُونَ
	مفرد	١٠	تَفْعُلِينَ	تَفْعُلِينَ	تَفْعُلِينَ
	مثنى	١١	تَفْعُلَانِ	تَفْعُلَانِ	تَفْعُلَانِ
	جمع	١٢	تَفْعُلْنَ	تَفْعُلْنَ	تَفْعُلْنَ
مذكر	وحده	١٣	أَفْعُلُ	أَفْعُلُ	أَفْعُلُ
	مع الغير	١٤	نَفْعُلُ	نَفْعُلُ	نَفْعُلُ

فعل مضارع

غائب

مخاطب

متكلم

تذکر

۱. در بین صیغه‌های فعل مضارع، صیغه‌های چهارم و هفتم با هم و صیغه‌های پنجم و هشتم و یازدهم با هم مشابه‌اند و برای تشخیص هر کدام باید به «قرائن» توجه نمود.
۲. به چهار حرف «ی، ت، ا، ن» که هنگام ساخت مضارع به ابتدای ماضی افزوده شده‌اند «حروف مضارعه» و به اختصار حروف «آتین»^۱ می‌نامند.

خلاصه درس

- * فعل مضارع ثلاثی مجزّد از ماضی ساخته می‌شود و دارای سه وزن است: **يَفْعُلُ** ، **يَفْعَلُ** ، **يَفْعُلُ**.
- * حرکت عین الفعل مضارع ، سماعی است.

۱. یا «تینا»

پرسش و تمرین

۱- برای هر کدام از اوزان «يَفْعُلُ، يَفْعُلُ، يَفْعُلُ» سه فعل قرآنی بیابید.

۲- چهارده صیغه فعل های «يَسْمَعُ، يَقْسِمُ، يَذْكُرُ» را صرف کنید.

۳- شماره صیغه و معنای فعل های ذیل را بیان کنید.

يَذْهَبْنَ، يَعْلَمُونَ، تَجْلِسِينَ، تَصَدَّقُ

۴- برای معانی زیر، صیغه های مناسب ذکر کنید.

می نویسم، (آن دو زن) عبادت می کنند، (شما زنان) می فهمید، (آن یک مرد) می بخشد.

۵- در آیات زیر، شماره صیغه، ماده و وزن کلمات رنگی را بنویسید.

* ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾^۱

* ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا...﴾^۲

* ﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾^۳

۱. نمل: ۷۳؛ به یقین پروردگار تو نسبت به مردم، دارای فضل (و رحمت) است؛ ولی بیشترشان شکرگزار نیستند.

۲. نحل: ۸۴؛ (به خاطر بیاور) روزی را که از هراتی گواهی (بر آنان) برمی انگیزیم.

۳. رحمن: ۶؛ و گیاهان و درختان برای خدا سجده می کنند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس هفتم

مضارع (۲)

این درس به:

* ضمایر فعل مضارع؛ * باب‌های ثلاثی مجرد؛

خواهد پرداخت.

مقدمه

در درس قبل کیفیت ساختن چهارده صیغه فعل مضارع بیان شد؛ در این درس به چند نکته تکمیلی اشاره خواهد شد.

ضمایر فعل مضارع

جنس	تعداد	شماره	ضمیر	نوع ضمیر
مذکر	مفرد	۱	هُوَ	مستتر
	مثنی	۲	اِ	بارز
	جمع	۳	و	بارز
مؤنث	مفرد	۴	هِيَ	مستتر
	مثنی	۵	اِ	بارز
	جمع	۶	نَ	بارز
مذکر	مفرد	۷	أَنْتَ	مستتر
	مثنی	۸	اِ	بارز
	جمع	۹	و	بارز
مؤنث	مفرد	۱۰	اِی	بارز
	مثنی	۱۱	اِ	بارز
	جمع	۱۲	نَ	بارز
متکلم	وحده	۱۳	أَنَا	مستتر
	مع الغیر	۱۴	نَحْنُ	مستتر

علایم رفع مضارع

فعل مضارع در «حالت عادی»؛ یعنی هنگام تجرد از عوامل^۱، مرفوع است. در صیغه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴ «ضمه» لام الفعل و در سایر صیغه‌ها (به جز صیغه ۶ و ۱۲) «ن» علامت رفع است که به آن «نون عوض رفع» می‌گویند.

جدول «علایم رفع» در چهارده صیغه فعل «یَنْلُغُ»

شماره صیغه	حرف مضارعه	حروف اصلی	ضمایر بارز	علایم رفع
۱	یَا	نُلُغُ	ا	اُ
۲	یَا	نُلُغُ	و	نِ
۳	یَا	نُلُغُ	و	نِ
۴	یَا	نُلُغُ	ا	اُ
۵	یَا	نُلُغُ	ن	نِ
۶	یَا	نُلُغُ	ن	نِ
۷	یَا	نُلُغُ	ا	اُ
۸	یَا	نُلُغُ	و	نِ
۹	یَا	نُلُغُ	و	نِ
۱۰	یَا	نُلُغُ	ی	نِ
۱۱	یَا	نُلُغُ	ا	اُ
۱۲	یَا	نُلُغُ	ن	نِ
۱۳	اَ	نُلُغُ		اُ
۱۴	نَا	نُلُغُ		اُ

۱. فعل مضارع هنگام تجرد از عوامل، مرفوع است؛ عواملی موجب «نصب» و یا «جزم» آن می‌شود که توضیح هر یک از آن‌ها در علم نحو خواهد آمد.

باب‌های ثلاثی مجزّد

هر ماضی معمولاً دارای یک مضارع است؛ ترکیب این ماضی و مضارع در این جا «باب» نامیده می‌شود که ملاک تقسیم‌بندی آن، حرکت عین الفعل است. فعل ثلاثی مجزّد دارای شش باب است.

۱- فَعَلَ	يَفْعُلُ	مانند:	مَنَعَ ^۱	يَمْنَعُ
۲- فَعَلَّ	يُفْعِلُ	مانند:	صَرَبَ	يَضْرِبُ
۳- فَعَلْ	يُفْعُلْ	مانند:	نَصَرَ ^۲	يَنْصُرُ
۴- فَعِلْ	يَفْعُلْ	مانند:	سَمِعَ ^۳	يَسْمَعُ
۵- فَعِلَّ	يُفْعِلْ	مانند:	حَسِبَ ^۴	يَحْسِبُ
۶- فَعَّلْ	يُفْعِّلُ	مانند:	كَرَّمَ	يَكْرُمُ

تذکر

برای تعیین باب هر فعلی، باید به «لغت نامه» مراجعه کرد.

خلاصه درس

- * فعل مضارع، دارای «نه» ضمیر بارز و «پنج» ضمیر مستتر است.
- * فعل مضارع، به خودی خود، مرفوع است. علامت رفع، گاهی ضمه و گاهی «ن» است.
- * فعل ثلاثی مجزّد دارای شش باب است؛ یعنی شش نوع ترکیب ماضی و مضارع.

۱. مانع شد، بازداشت.

۲. یاری کرد.

۳. شنید.

۴. گمان کرد، پنداشت.

پرسش و تمرین

- ۱- چهارده صیغه فعل «يَنْفَعُ» را در جدولی همانند جدول صفحه ۴۹ وارد کنید.
- ۲- «باب ثلاثی مجرد» چیست؟
- ۳- با مراجعه به کتاب لغت، باب هر یک از افعال ذیل را مشخص کنید.
کذب یکذب، شرح یشرح، شرف یشرف، کتب یکتب، قنت یقنت، رحم یرحم، علم یعلم.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس هشتم

امر (۱)

این درس به:

* کیفیت ساخت چهارده صیغه فعل امر؛

خواهد پرداخت.

مقدمه

فعل امر بر «طلب» وقوع چیزی در زمان آینده دلالت می‌کند؛ یعنی از فاعل «خواسته می‌شود» که کاری را انجام یا حالتی را پدید آورد؛ مانند:

لِيَضْرِبْ (آن یک مرد) باید بزند.

إِضْرِبْ (تو یک مرد) بزن.

کیفیت ساخت فعل امر

فعل امر، از مضارع ساخته می‌شود به این صورت که:

۱- در صیغه‌های غائب و متکلم:

الف) لام مکسوری در ابتدای آن‌ها می‌آوریم: **يَفْعَلُ** ← **لِيَفْعَلْ**؛

ب) از انتهای فعل، علامت رفع را حذف می‌کنیم: **لِيَفْعَلْ** ← **لِيَفْعُلْ**.

صرف سه وزن «لِیَفْعَلُ»، «لِیَفْعِلُ»، «لِیَفْعُلُ» به صورت ذیل است:

جنس	تعداد	شماره	عين الفعل -	عين الفعل -	عين الفعل -
مذكر	مفرد	۱	لِیَفْعُلُ	لِیَفْعِلُ	لِیَفْعُلُ
	مثنی	۲	لِیَفْعَلَا	لِیَفْعِلَا	لِیَفْعُلَا
	جمع	۳	لِیَفْعَلُوا	لِیَفْعِلُوا	لِیَفْعُلُوا
مؤنث	مفرد	۴	لِتَفْعُلُ	لِتَفْعِلُ	لِتَفْعُلُ
	مثنی	۵	لِتَفْعَلَا	لِتَفْعِلَا	لِتَفْعُلَا
	جمع	۶	لِیَفْعَلْنَ	لِیَفْعِلْنَ	لِیَفْعُلْنَ
ا	وحده	۱۳	لِأَفْعُلُ	لِأَفْعِلُ	لِأَفْعُلُ
	مع الغیر	۱۴	لِنَفْعُلُ	لِنَفْعِلُ	لِنَفْعُلُ

چند نکته

- ۱- با توجه به اینکه «ن» صیغه ششم علامت رفع نیست، حذف نشده است.
- ۲- به حذف علامت رفع که پس از دخول لام امر صورت می‌گیرد، در اصطلاح «جزم» گفته می‌شود.
- ۲- در صیغه‌های مخاطب:

الف) حرف مضارعه را از ابتدای آن‌ها حذف می‌کنیم: **تَفْعُلُ ← فَعْلُ**؛

ب) اگر پس از حذف حرف مضارعه، ابتدای فعل ساکن باشد برای خروج از حالت «ابتداء به سکون» همزه‌ای در ابتدای فعل اضافه می‌کنیم: **أَفْعُلُ**؛ و اگر ابتدای فعل متحرک باشد از همان جا امر را بنا می‌کنیم.^۱

ج) اگر حرکت عین الفعل کلمه، ضمه باشد به این همزه، ضمه می‌دهیم و اگر عین الفعل، فتحه یا کسره داشته باشد به این همزه، کسره می‌دهیم: **إَفْعُلُ**؛

د) علامت رفع را از آخر صیغه‌ها حذف می‌کنیم: **أَفْعُلُ**

۱. مثال آن، در ابواب مزید و افعال غیر سالم خواهد آمد؛ مانند: **تُسَلِّمُ ← سَلِّمُ**.

صرف سه وزن «إِفْعَلْ ، اُفْعَلْ ، اُفْعَلْ» به صورت ذیل است:

جنس	تعداد	شماره	عين الفعل َ	عين الفعل ِ	عين الفعل ُ
مفرد	مفرد	۷	إِفْعَلْ	إِفْعَلْ	اُفْعَلْ
	مثنی	۸	إِفْعَلَا	إِفْعَلَا	اُفْعَلَا
	جمع	۹	إِفْعَلُوا	إِفْعَلُوا	اُفْعَلُوا
مثنی	مفرد	۱۰	إِفْعَلِي	إِفْعَلِي	اُفْعَلِي
	مثنی	۱۱	إِفْعَلَا	إِفْعَلَا	اُفْعَلَا
	جمع	۱۲	إِفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	اُفْعَلْنَ

نکته

با توجه به اینکه «ن» صیغه دوازدهم علامت رفع نیست، حذف نشده است.

خلاصه درس

- * فعل امر بر طلب و درخواست انجام کار یا داشتن حالتی در زمان آینده دلالت می‌کند.
- * هشت صیغه غائب و متکلم، با «لام» ساخته می‌شوند.
- * شش صیغه مخاطب، گاهی بدون همزه و گاهی با اضافه کردن همزه ساخته می‌شوند.

پرسش و تمرین

۱- چهارده صیغه امر فعل های ذیل را صرف کنید.

يَذْهَبُ ، يَصْبِرُ ، يَذْكُرُ

۲- صیغه و معنای فعل های ذیل را بنویسید.

اَقْرَبْنَا ، لِيَعْلَمَنَّ ، لِيَتَكْتَمَا ، اُسْجُدْ

۳- برای معانی ذیل، صیغه مناسب ذکر کنید.

(آن مردان) باید بازی کنند، (شما زنان) حکم کنید، (من) باید بشناسم، (آن دو مرد) باید بگیرند.

۴- در آیات زیر، شماره صیغه، ماده و وزن کلمات رنگی را بنویسید.

* ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا...﴾^۱

* ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾^۲

* ﴿وَاصْكُتْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ...﴾^۳

۱ . نساء: ۳۵؛ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید(تا به کار آنان رسیدگی کنند) ..

۲ . آل عمران : ۴۳؛ ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع کنندگان، رکوع کن .

۳ . اعراف: ۱۵۶؛ و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما .

درس نهم

امر (۲)

این درس به:

* ضمایر چهارده صیغه فعل امر؛ * نوع همزه امر مخاطب؛

خواهد پرداخت.

ضمایر فعل امر

در درس گذشته کیفیت ساخت چهارده صیغه فعل امر بیان شد و با توجه به اینکه هنگام ساخت فعل امر، ابتدا و انتهای فعل مضارع^۱ دست خوش تغییرات می شود و وسط کلمه، سالم باقی می ماند؛ لذا ضمایر فعل امر، همان ضمایر فعل مضارع هستند.

جدول ضمایر و اضافات فعل امر در فعل «يَنْلُغُ»

شماره صیغه	اضافات امر	حرف مضارعه	حروف اصلی	ضمایر بارز
۱	لِ	يَ	يَنْلُغُ	
۲	لِ	يَ	يَنْلُغُ	ا
۳	لِ	يَ	يَنْلُغُ	و
۴	لِ	تَا	يَنْلُغُ	
۵	لِ	تَا	يَنْلُغُ	ا
۶	لِ	يَ	يَنْلُغُ	نَ
۷	أُ		يَنْلُغُ	
۸	أُ		يَنْلُغُ	ا
۹	أُ		يَنْلُغُ	و
۱۰	أُ		يَنْلُغُ	ی
۱۱	أُ		يَنْلُغُ	ا
۱۲	أُ		يَنْلُغُ	نَ
۱۳	لِ	أَ	يَنْلُغُ	
۱۴	لِ	نَا	يَنْلُغُ	

همزه امر

همزه امر از نوع «همزه وصل» است؛ یعنی اگر در «اثناء کلام» واقع شود تلفظ نمی‌شود و ما قبل آن به ما بعد وصل می‌شود و گاهی در نوشتار از علامت «ـ» برای آن استفاده می‌شود؛ مانند:

إِضْرِبْ ← وَأَضْرِبْ

در مقابل همزه قطع است؛ یعنی همزه‌ای که حتی در اثناء هم تلفظ می‌شود. علامت این همزه «ء» است.

أَعْلَمْ ← وَأَعْلَمْ
تکمله

لام امر، مکسور است؛ اما در صورتی که بعد از حروف «واو»، «فاء» یا «ثُمَّ» قرار گیرد جایز است ساکن شود؛ مانند:

* ﴿...وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...﴾^۱

* ﴿...فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ...﴾^۲

* ﴿...ثُمَّ لَيَقْطَعَنَّ لَيْسَ لَهُ يَدُهَا الْيَمِينُ...﴾^۳

خلاصه درس

- * ضمایر فعل امر همان ضمایر فعل مضارع است.
- * همزه امر، همزه وصل است.
- * لام امر، مکسور است؛ اما پس از برخی از حروف، جایز است ساکن شود.

۱. بقره: ۲۸۲؛ و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد.

۲. نور: ۶۳؛ پس کسانی که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند...

۳. حج: ۱۵؛ (کسی که یاری خداوند به پیامبرش را می‌بیند و از این بابت عصبانی است) نفس خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود)؛ ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟!

پرسش و تمرین

- ۱- همزه وصل و قطع را با هم مقایسه کنید. شباهت ها و تفاوت های هریک را بنویسید.
- ۲- چهارده صیغه امر فعل «يَنْفَعُ» را در جدولی همانند جدول صفحه ۵۸ وارد کنید.
- ۳- ضمایر افعال قرآنی ذیل را مشخص کنید.
اجْعَلُوا، اِئْتِ، لِيَضْحَكُوا، اِزْكِي، لِيَكْتُبْ

دفتر نشر مکتب مدرسی حوزه های علمیه

تمرین دوره ای یک

۱- کلمات رنگی روایات زیر، در جای مناسب خود وارد شده‌اند، بقیه جدول را کامل کنید.

الامامُ عَلِيُّ عليه السلام: إِذَا رَغِبْتَ فِي الْمَكَارِمِ فَاجْتَنِبِ الْمَحَارِمَ^۱.

الامامُ الصَّادِقُ عليه السلام: صَلََةُ الرَّجْمِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ^۲.

مِمَّا كَتَبَهُ عليه السلام جواباً لاسحاق بن يعقوب: ... أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ^۳.

۱. عیون الحکم و المواعظ (الیثی)؛ ص ۱۳۳. غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۳۱۷؛ اگر بزرگی و شرافت را خواستاری، پس باید از امور ناشایست و حرام بپرهیزی.
۲. الکافی (ط. الاسلامیه)؛ ج ۲، ص ۱۵۲؛ صله رحم (پیوند خویشاوندی) و روابط خوب همسایگی موجب آبادانی شهرها و طول عمر می شوند.
۳. وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۱۴۰؛ در پیشامد و رخدادها به راویان حدیث (متخصصان دین) ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت (دلیل، برهان) من بر شما هستند و من، حجت خداوندم بر آن ها.

[illegible]

۲- همانند نمونه، جدول ذیل را کامل کنید.

فعل	ماضی، مضارع، امر	حروف اصلی	شماره صیغه	نام تفصیلی صیغه	ترجمه
عَكَفَا	ماضی	ع ک ف	۲	مثنی مذکر غائب	(آن دو مرد) بازداشتند
إِحْفَظِي					
تَبْطَلَانِ					
خَدَمْتُنْ					
إِدْفَعَا					
تَشْهَدُونَ					

۳- از مصدرهای ذکر شده و با توجه به حرکت عین الفعل ماضی و مضارع، جدول ذیل را کامل کنید.

مصدر	ترجمه	عین الفعل ماضی و مضارع	ماضی صیغه...	مضارع صیغه...	امر صیغه...
عَقَدَ	محکم کردن	عَـ	۳	۶	۷
سَمَّاجَةً	قبیح و زشت گردیدن	سَـ	۴	۲	۱
قُعُودَ	نشستن	قَـ	۷	۹	۸
عَزَقَ	غرق شدن	عَـ	۸	۱۰	۳
نَزَعَ	کندن	نَـ	۱۲	۱۳	۱۰
سَكُوتَ	ساکت شدن	سَـ	۵	۱۱	۱۲
جَزَعَ	جرعه آب خوردن	جَـ	۹	۳	۴

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس دهم

ثلاثی مزید

این درس به:

* بیان برخی از فرق‌های ثلاثی مجرّد و مزید؛ * معرفی بعضی از باب‌های مشهور ثلاثی مزید؛
خواهد پرداخت.

مقدمه

آنچه تاکنون گذشت مربوط به افعال ثلاثی مجرّد بود؛ یعنی فعلی که در صیغه اوّل ماضی آن فقط سه حرف اصلی وجود دارد؛ اما اینک به افعالی پرداخته خواهد شد که علاوه بر سه حرف اصلی، دارای یک یا چند حرف زاید هستند که «مزید فیه»^۱ نامیده می‌شوند.

ثلاثی مزید

افعال ثلاثی مزید به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف) افعالی که ماضی آن‌ها دارای یک حرف زایداند (۳+۱)؛ مانند:

أَكْرَمَ که «أ» در آن زاید است؛

ب) افعالی که ماضی آن‌ها دارای دو حرف زایداند (۳+۲)؛ مانند:

تَصَارَبَ که «ت ، ا» در آن زایداند؛

ج) افعالی که ماضی آن‌ها دارای سه حرف زایداند (۳+۳)؛ مانند:

إِسْتَخْرَجَ که «ا ، س ، ت» در آن زایداند.

۱. برای سهولت در تلفظ، می‌توان «فیه» را حذف کرد.

فواید ثلاثی مزید

معانی ستون‌های سمت راست را با ستون‌های سمت چپ مقایسه کنید.

ثلاثی مزید	صَحِكَ (خندید) ← أَصْحَكَ (خنداند) ضَرَبَ (زد) ← تَضَارَبَ (یکدیگر را زدند) عَفَرَ (آمرزید) ← اِسْتَعْفَرَ (طلب آمرزش کرد)	ثلاثی مجزّد
------------	---	-------------

ثلاثی مزید، باعث ایجاد «تغییر معنایی» در کلمات^۱ مجزّد می‌شود؛^۲ که در درس آینده مشهورترین تغییر معنایی برخی از آن‌ها مطرح خواهد شد.

«باب»

هر ماضی دارای مضارعی مختص به خود و همچنین مصدری اختصاصی است که ترتیب این سه را «باب» می‌نامند؛ به عنوان مثال هنگامی که ماضی ثلاثی مزید بر وزن «أَفْعَلَّ» باشد، مانند «أَكْرَمَ»، مضارع آن قطعاً بر وزن «يُفْعِلُّ»، مانند «يُكْرِمُ» و مصدر آن بر وزن «إِفْعَال» مانند «إِكْرَام» خواهد بود که این گروه، «باب افعال» نامیده می‌شوند.^۳

ثلاثی مزید دارای ابواب زیادی است که ۱۰ باب آن مشهور و بقیه غیر مشهوراند.

نکته

کیفیت صرف صیغه‌های ثلاثی مزید همانند ثلاثی مجزّد است.

۱. عنوان «کلمات» آمده، زیرا باب‌ها در مصدر که اسم است نیز تغییر معنوی ایجاد می‌کنند.

۲. هر فعل مجزّدی، لزوماً دارای مزید نیست.

۳. هر یک از ابواب ثلاثی مزید به نام مصدرش نامگذاری شده است.

برخی از ابواب مشهور ثلاثی مزید^۱

باب	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن مصدر	حروف زاید ماضی
إِفعال	أَفْعَلْ أَفْعَلْ	يَفْعِلْ يُفْعِلْ	إِفْعَال إِفْعَال	أ
تفعیل	فَعَعَلْ فَعَعَلْ	يَفْعَعِلْ يُفْعَعِلْ	تَفْعِيل تَفْعِيل	یکی از عین الفعل‌ها
مفاعلة	فَاعَلْ فَاعَلْ	يُفَاعِلْ يُفَاعِلْ	مُفَاعَلَة مُفَاعَلَة	ا
تفاعل	تَفَاعَلْ تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلْ يَتَفَاعَلْ	تَفَاعُلْ تَفَاعُلْ	ت، ا
افتعال	إِفْتَعَلْ إِفْتَعَلْ	يَفْتَعِلْ يُفْتَعِلْ	إِفْتِعَال إِفْتِعَال	ا، ت
انفعال	إِنْفَعَلْ إِنْفَعَلْ	يَنْفَعِلْ يَنْفَعِلْ	إِنْفِعَال إِنْفِعَال	ا، ن
تفعُّل	تَفَعَّلْ تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلْ يَتَفَعَّلْ	تَفَعُّعْل تَفَعُّعْل	ت، یکی از عین الفعل‌ها
استفعال	إِسْتَفْعَلْ إِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلْ يَسْتَفْعِلْ	إِسْتِفْعَال إِسْتِفْعَال	ا، س، ت

۱. بررسی ابواب إفعال و إفعیلال و إفعیلال از ابواب مشهور در صرف ۲ خواهد آمد.

پرسش و تمرین

- ۱- ابواب ثلاثی مزید به چند دسته عمده تقسیم می‌شوند؟ ملاک این تقسیم بندی چیست؟
- ۲- «تغییر معنوی» که ابواب ثلاثی مزید ایجاد می‌کنند را در قالب مثالی شرح دهید.
- ۳- مواد داده شده را در قالب‌های مورد نظر وارد کرده، نتیجه را بنویسید.

حروف اصلی	قالب (هیئت)	نتیجه
ب ص ر	أ ف ع ل	
ق س م	ف ع ع ل	
ز ح م	ف ا ع ل	
م ر ض	ت ف ا ع ل	
س ن د	ا ف ت ع ل	
ش ر ح	ا ن ف ع ل	
ع ل م	ت ف ع ع ل	
ک ش ف	ا ش ت ف ع ل	

۴- نوع فعل (ماضی، مضارع و امر)، شماره صیغه و باب افعال ذیل را مشخص کنید.

يَتَجَاهَدَانِ، تَجَسَّمْتَ، اِخْتَسَبَ، بَلَّغُوا، تَسْتَخْدِمُونَ، أَبْطَلَنْ، رَاجِعَا، نَنْشَعِبُ

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس یازدهم

ابواب مشهور ثلاثی مزید (۱) باب های افعال و تفعیل

این درس به:

* هیئت (قالب) باب های افعال و تفعیل؛ * مشهورترین معنای این دو باب؛

خواهد پرداخت.

باب افعال

یکی از ابواب مشهور ثلاثی مزید است که دارای همزه زایدی در اوّل ماضی آن می باشد. برای بردن «ماده» ای به این باب^۱، باید به هیئت (قالب) این باب (یعنی تعداد حروف و کیفیت چینش آن ها و همچنین حرکات هر حرفی) توجه کنیم و سپس آن ماده را به آن هیئت وارد کنیم. مانند:

ماضی	مضارع	مصدر
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	إِفْعَالٌ
أَخْسَنَ ^۲	يُخْسِنُ	إِخْسَانٌ
أَعْلَمَ	يُعْلِمُ	إِعْلَامٌ

ح س ن ←

ع ل م ←

۱. اینکه چه ماده ای به چه بابی می رود «سماعی» است و کتب لغت عهده دار بیان آن هستند.

۲. کار نیکو و خوب انجام داد.

ویژگی‌های این باب

۱- به خلاف تمامی باب‌های ثلاثی مزید، همزه این باب «همزه قطع» است.

۲- درشش صیغه فعل امر مخاطب این باب، همیشه همزه مفتوحی به کار رفته است؛ مانند:

تُعَلِّمُ (صیغه هفتم مضارع) ← حذف علامت مضارعه عِلِّمُ ← حذف علامت رفع عِلِّمُ ← همزه مفتوح أَعَلِّمُ

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب افعال

ماضی	مضارع	امر				
مفرد	أَعْلَمَ	يُعَلِّمُ	لِيُعَلِّمَ	مذكر	غائب	
مثنى	أَعْلَمَا	يُعَلِّمَانِ	لِيُعَلِّمَا			
جمع	أَعْلَمُوا	يُعَلِّمُونَ	لِيُعَلِّمُوا			
مفرد	أَعْلَمْتُ	تُعَلِّمُ	لِتُعَلِّمَ	مؤنث		
مثنى	أَعْلَمْتَا	تُعَلِّمَانِ	لِتُعَلِّمَا			
جمع	أَعْلَمْنَ	يُعَلِّمْنَ	لِيُعَلِّمْنَ			
مفرد	أَعْلَمْتَ	تُعَلِّمُ	أَعْلِمُ	مذكر	مخاطب	
مثنى	أَعْلَمْتُمَا	تُعَلِّمَانِ	أَعْلِمَا			
جمع	أَعْلَمْتُمْ	تُعَلِّمُونَ	أَعْلِمُوا			
مفرد	أَعْلَمْتِ	تُعَلِّمِينَ	أَعْلِمِي	مؤنث		
مثنى	أَعْلَمْتُمَا	تُعَلِّمَانِ	أَعْلِمَا			
جمع	أَعْلَمْتُنَّ	تُعَلِّمْنَ	أَعْلِمْنَ			
وحده	أَعْلَمْتُ	أَعْلِمُ	لَأَعْلِمَ	۱	منكلم	
مع الغير	أَعْلَمْنَا	نُعَلِّمُ	لِنُعَلِّمَ			

مشهورترین معنای باب افعال^۱

مقدمه

در یک تقسیم بندی، فعل ها یا «لازم» اند یا «متعدی».

فعل لازم فعلی است که به فاعل اکتفا کرده و به «مفعول به» نیاز ندارد؛ مانند: قَعَدَ (نشست).
فعل متعدی فعلی است که علاوه بر فاعل، به مفعول^۲ به نیز نیاز دارد؛ مانند: نَصَرَ زَيْدٌ عَلِيًّا (زید، علی را یاری کرد).
بهترین و مطمئن ترین راه تشخیص لازم و متعدی در زبان عربی، مراجعه به کتاب لغت است؛ اما غالباً از ترجمه فارسی آن نیز می توان در این تشخیص بهره جست. کلمه ای که در جواب «چه کسی را؟» یا «چه چیزی را؟» می آید مفعول جمله است؛ مانند: زید، علی را یاری کرد. سؤال: چه کسی را؟ جواب: علی را؛ پس علی مفعول است و فعل «یاری کرد» متعدی.

مشهورترین معنای باب افعال «تعدیه» است؛ یعنی متعدی کردن فعل لازم.

صَحَّكَ سَعِيدٌ (سعید خندید) ← أَضْحَكَ عَلَى سَعِيداً (علی سعید را خنداند)؛

جَلَسَ بَكْرٌ (بکر نشست) ← أَجْلَسَ زَيْدٌ بَكْرًا (زید، بکر را نشانده).

باب تفعیل

این باب نیز از ابواب مشهور ثلاثی مزید است که ماضی آن دارای یک حرف زاید است، این حرف زاید، تکرار عین الفعل است. هیئت این باب به صورت ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيلٌ
فَرَّحَ ^۲	يُفَرِّحُ	تَفْرِيحٌ
قَبَّحَ ^۳	يُقَبِّحُ	تَقْبِيحٌ

← ف ر ح

← ق ب ح

۱. غالب باب های ثلاثی مزید در معانی متعددی به کار می روند که در کتاب حاضر به مشهورترین معنای برخی از این ابواب اشاره ای شده است؛ بنابراین مواد مختلفی که در متن دروس ذکر شده اند لزوماً در معنای مشهور به کار نرفته اند.

۲. شاد و خشنود کرد.

۳. تقبیح کرد، زشت شمرد.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب تفعیل

		ماضی	مضارع	امر
مذكر	غائب	مفرد	فَرَحَ	يُفَرِّحُ
		مثنی	فَرَحَا	يُفَرِّحَانِ
		جمع	فَرَحُوا	يُفَرِّحُونَ
مؤنث		مفرد	فَرَحَتْ	تُفَرِّحُ
		مثنی	فَرَحَتَا	تُفَرِّحَانِ
		جمع	فَرَحْنَ	يُفَرِّحْنَ
مذكر	مخاطب	مفرد	فَرَحْتَ	تُفَرِّحُ
		مثنی	فَرَحْتُمَا	تُفَرِّحَانِ
		جمع	فَرَحْتُمْ	تُفَرِّحُونَ
مؤنث		مفرد	فَرَحْتِ	تُفَرِّحِينَ
		مثنی	فَرَحْتُمَا	تُفَرِّحَانِ
		جمع	فَرَحْتُنَّ	تُفَرِّحْنَ
ا	متكلم	وحده	فَرَحْتُ	أُفَرِّحُ
		مع الغير	فَرَحْنَا	نُفَرِّحُ

مشهورترین معنای باب تفعیل

«تکثیر» است؛ یعنی دلالت بر زیادی و کثرت.

هَدَمَ الْبِنَاءَ (ساختمان را ویران کرد) ← هَدَمَ الْبِنَاءَ (ساختمان را بسیار ویران کرد)؛

لَظَمَهُ (به صورت او سیلی زد) ← لَظَمَهُ (به صورت او بسیار سیلی زد).

خلاصه درس

- * همزه باب افعال، همزه قطع است.
- * امر مخاطب این باب، با همزه مفتوح آغاز می شود.
- * مشهورترین معنای باب افعال «تعدیه» و باب تفعیل «تکثیر» است.

پرسش و تمرین

۱- «هیئت» را تعریف کنید.

۲- ماده ذیل را به باب افعال برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

خ ر ج

۳- ماده ذیل را به باب تفعیل برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

ن ز ل

۴- در آیات و روایات زیر، باب کلمات رنگی را مشخص و ماده و وزن هر یک را بنویسید.

- * ﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱
- * ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾^۲
- * ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا^۳
- * قال رسول الله ﷺ: **أَبْرِدُوا** الطَّعَامَ الْحَارَّ فَإِنَّ الطَّعَامَ الْحَارَّ غَيْرُ ذِي بَرَكَهٍ^۴
- * قال الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا **فَقَّهَهُ** فِي الدِّينِ.^۵

۱ . بقره: ۱۳۱؛ (و یاد آورید) هنگامی را که پروردگارش به او فرمود: اسلام بیاور (و در برابر حق، تسلیم باش. او فرمان پروردگار را از جان و دل پذیرفت؛ و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»

۲ . بقره: ۲۷۴؛ کسانی که اموال خود را، شب یا روز، پنهان یا آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است.

۳ . کهف: ۱۰۳-۱۰۴؛ بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ آن ها که تلاش هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند.

۴ . کنز العمال؛ ج ۱۵، ص ۲۴۹؛ غذای داغ را خنک کنید (سپس بخورید) زیرا غذای داغ، خیر و برکتی (برای بدن) ندارد.

۵ . الامالی (للمفید)؛ ص ۱۵۸؛ هنگامی که خداوند، خیر بنده ای را خواسته باشد او را فقیه و عالم در دین می کند.

درس دوازدهم

ابواب مشهور ثلاثی مزید (۲) باب های مفاعله و تفاعل

این درس به:

* هیئت باب های مفاعله و تفاعل؛ * مشهورترین معنای این دو باب؛
خواهد پرداخت.

باب مفاعله

یکی دیگر از ابواب مشهور ثلاثی مزید است که ماضی آن دارای «ا» زاید می باشد.
هیئت این باب به صورت ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ
بَاَحَتْ ^۱	يُبَاِحْتُ	مُبَاَحَّةٌ
جَادَلَ ^۲	يُجَادِلُ	مُجَادَلَةٌ

ب ح ث ←

ج د ل ←

۱. گفتگو کرد، بحث کرد.

۲. ستیزه و دشمنی کرد، دلیل آورد.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب مفاعله

ماضی		مضارع		امر	
مذكر	مفرد	جَادَلَ	يُجَادِلُ	لِيُجَادِلْ	
	مثنى	جَادَلَا	يُجَادِلَانِ	لِيُجَادِلَا	
	جمع	جَادَلُوا	يُجَادِلُونَ	لِيُجَادِلُوا	
مؤنث	مفرد	جَادَلْتُ	تُجَادِلُ	لِتُجَادِلْ	
	مثنى	جَادَلْنَا	تُجَادِلَانِ	لِتُجَادِلَا	
	جمع	جَادَلْنَ	يُجَادِلْنَ	لِيُجَادِلْنَ	
مذكر	مفرد	جَادَلْتُ	تُجَادِلُ	جَادِلْ	
	مثنى	جَادَلْتُمَا	تُجَادِلَانِ	جَادِلَا	
	جمع	جَادَلْتُمْ	تُجَادِلُونَ	جَادِلُوا	
مؤنث	مفرد	جَادَلْتُ	تُجَادِلِينَ	جَادِلِي	
	مثنى	جَادَلْتُمَا	تُجَادِلَانِ	جَادِلَا	
	جمع	جَادَلْتُنَّ	تُجَادِلْنَ	جَادِلْنَ	
ا	وحده	جَادَلْتُ	أُجَادِلُ	لِأُجَادِلْ	
	مع الغير	جَادَلْنَا	نُجَادِلُ	لِنُجَادِلْ	

مشهورترین معنای باب مفاعله

«مشارکت» است؛ یعنی شرکت دو یا چند نفر در انجام فعل؛ مانند:

ضَرَبَ سَعِيدٌ عَلِيًّا (سعید و علی یکدیگر را زدند) ← ضَرَبَ سَعِيدٌ عَلِيًّا (سعید، علی را زد)
غَضِبَ عَلَيْهِ (بر او خشم گرفت) ← غَضِبَهُ (بر یکدیگر خشم نمودند).

باب تفاعل

از باب های مشهور ثلاثی مزید است که ماضی آن دارای «ت» و «ا» زاید می باشد.

هیئت این باب به صورت ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُلٌ
تَفَاضَلَ ^۱	يَتَفَاضَلُ	تَفَاضُلٌ
تَكَاثَرَ ^۲	يَتَكَاثَرُ	تَكَاثُرٌ

ف ض ل ←

ک ث ر ←

نکته

هنگام صرف مضارع این باب، در صیغه هایی که دو «تاء» مفتوح جمع می شوند، جایز است یکی از آن

دو را حذف کنیم؛ مانند:

تَتَكَاثَرُ (صیغه ۴ و ۷) ← تَكَاثَرُ

۱. افزونی و برتری جست.

۲. بسیار فزون شد.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب تفاعل

ماضی	مضارع	امر			
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	لِيَتَفَاعَلْ	مفرد	مذكر	فَاعِلٌ
تَفَاعَلَا	يَتَفَاعَلَانِ	لِيَتَفَاعَلَا	مثنی		
تَفَاعَلُوا	يَتَفَاعَلُونَ	لِيَتَفَاعَلُوا	جمع		
تَفَاعَلْتُ	تَتَفَاعَلُ (تَفَاعَلُ)	لِتَتَفَاعَلْ	مفرد	مؤنث	
تَفَاعَلْتَا	تَتَفَاعَلَانِ (تَفَاعَلَانِ)	لِتَتَفَاعَلَا	مثنی		
تَفَاعَلْنَ	يَتَفَاعَلْنَ	لِيَتَفَاعَلْنَ	جمع		
تَفَاعَلْتُ	تَتَفَاعَلُ (تَفَاعَلُ)	تَفَاعَلْ	مفرد	مذكر	مخاطَبٌ
تَفَاعَلْتُمَا	تَتَفَاعَلَانِ (تَفَاعَلَانِ)	تَفَاعَلَا	مثنی		
تَفَاعَلْتُمْ	تَتَفَاعَلُونَ (تَفَاعَلُونَ)	تَفَاعَلُوا	جمع		
تَفَاعَلْتُ	تَتَفَاعَلِينَ (تَفَاعَلِينَ)	تَفَاعَلِي	مفرد	مؤنث	
تَفَاعَلْتُمَا	تَتَفَاعَلَانِ (تَفَاعَلَانِ)	تَفَاعَلَا	مثنی		
تَفَاعَلْتُنَّ	تَتَفَاعَلْنَ (تَفَاعَلْنَ)	تَفَاعَلْنَ	جمع		
تَفَاعَلْتُ	أَتَفَاعَلُ	لِأَتَفَاعَلْ	وحده	ا	مُتَكَلِّمٌ
تَفَاعَلْنَا	نَتَفَاعَلُ	لِنَتَفَاعَلْ	مع الغير		

مشهورترین معنای باب تفاعل

«مشارکت» است؛ مانند:

- ← **كَتَبَ زَيْدُ الرِّسَالَةَ** (زید، نامه نوشت) ← **تَكَاتَبَ زَيْدٌ وَ بَكْرٌ** (زید و بکر به یکدیگر نامه نوشتند)؛
- ← **حَسَدَ** (حسد کرد) ← **تَحَاسَدَا** (آن دو به یکدیگر حسد ورزیدند).

خلاصه درس

- * در باب تفاعل، در صیغه‌هایی که دو «تاء» مفتوح جمع می‌شوند می‌توان یکی از آن دو را حذف کرد.
- * مشهورترین معنای باب مفاعله و تفاعل، «مشارکت» است.

پرسش و تمرین

۱- ماده ذیل را به باب مفاعله برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

س ت ر

۲- ماده ذیل را به باب تفاعل برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

ع ض د

۳- در آیات و روایت زیر، باب کلمات رنگی را مشخص، ماده و وزن هر یک را بنویسید.

* ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...﴾^۱

* ﴿خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾^۲

* ﴿... وَإِنْ تَعَاَسَرْتَ ثُمَّ فَسَّرْ ضِعْ لَهُ أُخْرَى﴾^۳

* ﴿... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾^۴

* عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ **مَآكَرَ** مُسْلِمًا.^۵

۱ . لقمان: ۱۵؛ و هر گاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن.

۲ . مطففین: ۲۶؛ مَهْرِي که بر آن نهاده شده از مشک است و مشتاقان باید برای این (نعمت های بهشتی) بر یکدیگر پیشی گیرند.

۳ . طلاق: ۶؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری او را شیر خواهد داد.

۴ . نساء: ۱۹؛ و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید.

۵ . وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ کسی که مسلمانی را بفریب از ما نیست. (سنخیتی با ما ندارد).

درس سیزدهم

ابواب مشهور ثلاثی مزید (۳) باب های افتعال و انفعال

این درس به:

* بیان هیئت باب های افتعال و انفعال؛ * معنای مشهور باب افتعال؛ * تنها معنای باب انفعال؛
خواهد پرداخت.

باب افتعال

یکی دیگر از ابواب مشهور ثلاثی مزید است و ماضی آن دارای «ا» و «ت» زاید است.
هیئت این باب به شرح ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتِعَالٌ
إِفْتَرَقَ ^۱	يَفْتَرِقُ	إِفْتِرَاقٌ
إِعْتَمَدَ ^۲	يَعْتَمِدُ	إِعْتِمَادٌ

ف ر ق ←

ع م د ←

۱. پراکنده شد.

۲. اعتماد کرد، تکیه کرد.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب افتعال

ماضی	مضارع	امر			
غائب	مذكر	مفرد	إِعْتَمَدَ	يَعْتَمِدُ	لِيَعْتَمِدْ
		مثنی	إِعْتَمَدَا	يَعْتَمِدَانِ	لِيَعْتَمِدَا
		جمع	إِعْتَمَدُوا	يَعْتَمِدُونَ	لِيَعْتَمِدُوا
	مؤنث	مفرد	إِعْتَمَدَتْ	تَعْتَمِدُ	لِتَعْتَمِدْ
		مثنی	إِعْتَمَدَتَا	تَعْتَمِدَانِ	لِتَعْتَمِدَا
		جمع	إِعْتَمَدْنَ	يَعْتَمِدْنَ	لِيَعْتَمِدْنَ
مخاطب	مذكر	مفرد	إِعْتَمَدْتَ	تَعْتَمِدُ	إِعْتَمِدْ
		مثنی	إِعْتَمَدْتُمَا	تَعْتَمِدَانِ	إِعْتَمِدَا
		جمع	إِعْتَمَدْتُمْ	تَعْتَمِدُونَ	إِعْتَمِدُوا
	مؤنث	مفرد	إِعْتَمَدْتِ	تَعْتَمِدِينَ	إِعْتَمِدِي
		مثنی	إِعْتَمَدْتُمَا	تَعْتَمِدَانِ	إِعْتَمِدَا
		جمع	إِعْتَمَدْتُنَّ	تَعْتَمِدْنَ	إِعْتَمِدْنَ
منكلم		وحده	إِعْتَمَدْتُ	أَعْتَمِدُ	لِأَعْتَمِدْ
		مع الغير	إِعْتَمَدْنَا	نَعْتَمِدُ	لِنَعْتَمِدْ

مشهورترین معنای باب افعال

«مطاوعه» است؛ یعنی اثر پذیری از فاعل یک فعل دیگر؛ مانند:

نَقَلْتُ الشَّيْءَ فَأَتَقَلَّ (آن چیز را جابجا کردم پس جابجا شد)؛

حَزَنُوهُ فَأَحْزَنَ (او را اندوهگین کردم پس او اندوهگین شد).

باب انفعال

ششمین باب از ابواب مشهور ثلاثی مزید است و ماضی آن دارای «ا» و «ن» زاید است.

هیئت این باب به شرح ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفِعَال
انْحَرَفَ ^۱	يَنْحَرِفُ	انْحِرَاف
انْخَصَرَ ^۲	يَنْخَصِرُ	انْخِصَار

ح ر ف ←

ح ص ر ←

۱. انحراف پیدا کرد.

۲. در تنگنا قرار گرفت.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب انفعال

ماضی	مضارع	امر			
مفرد	يَنْخَصِرُ	لِيَنْخَصِرْ	مذكر	غائب	
	يَنْخَصِرَانِ	لِيَنْخَصِرَا			
	يَنْخَصِرُونَ	لِيَنْخَصِرُوا			
مفرد	تَنْخَصِرُ	لِتَنْخَصِرْ	مؤنث		
	تَنْخَصِرَانِ	لِتَنْخَصِرَا			
	يَنْخَصِرْنَ	لِيَنْخَصِرْنَ			
مفرد	تَنْخَصِرُ	إِنْخَصِرْ	مذكر	مخاطب	
	تَنْخَصِرَانِ	إِنْخَصِرَا			
	تَنْخَصِرُونَ	إِنْخَصِرُوا			
مفرد	تَنْخَصِرِينَ	إِنْخَصِرِي	مؤنث		
	تَنْخَصِرَانِ	إِنْخَصِرَا			
	تَنْخَصِرْنَ	إِنْخَصِرْنَ			
وحده	أَنْخَصِرُ	لَا أَنْخَصِرْ	ا	متكلم	
	نَنْخَصِرُ	لِنَنْخَصِرْ			
مع الغير	نَنْخَصِرُ	لِنَنْخَصِرْ			

معنای باب انفعال

تنها معنای این باب «مطاوعه» است؛ مانند:

خَرَفْتُ الثَّوْبَ فَأَنْخَرَقَ (لباس را پاره کردم پس پاره شد)؛
كَشَفَهُ فَأُنْكَشَفَ (او را آشکار و نمایان کرد پس آشکار شد).

خلاصه درس

- * مشهورترین معنای باب افتعال و تنها معنای باب انفعال، مطاوعه است.
- * مطاوعه، یعنی اثر پذیری.

پرسش و تمرین

۱- «مطالعه» را تعریف کنید.

۲- ماده ذیل را به باب افتعال برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

ح ر م

۳- ماده ذیل را به باب انفعال برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

ه د م

۴- در آیات و روایات زیر، باب کلمات رنگی را مشخص، ماده و وزن هر یک را بنویسید.

* ﴿... فَأَنْفَجَرْتُ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا...﴾^۱

* ﴿... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...﴾^۲

* ... قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: عَلَّمَنِي عِظَةً أَتَعِظُ بِهَا فَقَالَ لَهُ: **إِنْطَلِقْ**

وَلَا تَغْضَبْ.^۳

* ... عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَلَالٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ آلَ فُلَانٍ يَبْرُبُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَتَوَاصَلُونَ،

فَقَالَ: إِذَا تَنَمَّى أَمْوَالُهُمْ وَيَنُمُونَ، فَلَا يَزَالُونَ فِي ذَالِكَ حَتَّى يَتَقَاطَعُوا، فَاذَا فَعَلُوا ذَالِكَ **إِنْقَشَعَ**

عَنْهُمْ.^۴

۱. بقره: ۶۰؛ ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید.

۲. نساء: ۳۲؛ مردان به سبب آنچه به دست می آورند نصیبی دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد).

۳. الکافی (ط. الاسلامیه)؛ ج ۲، ص ۳۰۳؛ مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و به ایشان گفت: ای رسول خدا! به من پند و نصیحتی بیاموز تا به وسیله آن درس عبرت گیرم. رسول خدا فرمود: گشاده رو باش و غضب مکن.

۴. بحار الانوار (ط. بیروت)؛ ج ۷۱، ص ۱۲۵؛ فلان قبیله با یکدیگر مهربان بوده و مراوده دارند. حضرت فرمود: در این صورت اموال و نفوسشان رشد و فزونی می کند، دائماً به همین صورت خواهند بود تا از یکدیگر ببرند. پس هنگامی که از یکدیگر ببرند، (نعمت رشد و فزونی) از آن ها زایل می شود.

درس چهاردهم

ابواب مشهور ثلاثی مزید (۴) باب های تَفَعَّل و استفعال

این درس به:

* هیئت باب های تَفَعَّل و استفعال؛ * مشهورترین معنای این دو باب؛
خواهد پرداخت.

باب تَفَعَّل

هفتمین باب از ابواب مشهور ثلاثی مزید است و ماضی آن دارای دو حرف زاید است یکی «ت» و دیگری «یکی از عین الفعل ها».

هیئت این باب به صورت ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ
تَعَصَّبَ ^۱	يَتَعَصَّبُ	تَعَصُّبٌ
تَشَرَّفَ ^۲	يَتَشَرَّفُ	تَشَرُّفٌ

ع ص ب ←

ش ر ف ←

۱. تعصب به خرج داد، طرفداری کرد.

۲. سرافراز شد، افتخار یافت.

نکته

در این باب نیز همانند باب تفاعل، در صیغه‌هایی از مضارع که دو «تاء» مفتوح کنار هم جمع می‌شوند، جایز است یکی از آن دو حذف شود؛ مانند:

تَشَرَّفُ (صیغه ۴ و ۷) ← تَشَرَّفُ

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب تفعّل

ماضی	مضارع	امر			
تَشَرَّفَ	يَتَشَرَّفُ	لِيَتَشَرَّفْ	مفرد	مذكر	غائب
تَشَرَّفَا	يَتَشَرَّفَانِ	لِيَتَشَرَّفَا	مثنی		
تَشَرَّفُوا	يَتَشَرَّفُونَ	لِيَتَشَرَّفُوا	جمع		
تَشَرَّفْتُ	تَتَشَرَّفُ (تَشَرَّفُ)	لِتَتَشَرَّفْ	مفرد	مؤنث	
تَشَرَّفْتَا	تَتَشَرَّفَانِ (تَشَرَّفَانِ)	لِتَتَشَرَّفَا	مثنی		
تَشَرَّفْنَ	يَتَشَرَّفْنَ	لِيَتَشَرَّفْنَ	جمع		
تَشَرَّفْتَ	تَتَشَرَّفُ (تَشَرَّفُ)	تَشَرَّفْ	مفرد	مذكر	مخاطب
تَشَرَّفْتُمَا	تَتَشَرَّفَانِ (تَشَرَّفَانِ)	تَشَرَّفَا	مثنی		
تَشَرَّفْتُمْ	تَتَشَرَّفُونَ (تَشَرَّفُونَ)	تَشَرَّفُوا	جمع		
تَشَرَّفْتِ	تَتَشَرَّفِينَ (تَشَرَّفِينَ)	تَشَرَّفِي	مفرد	مؤنث	
تَشَرَّفْتُمَا	تَتَشَرَّفَانِ (تَشَرَّفَانِ)	تَشَرَّفَا	مثنی		
تَشَرَّفْتُنَّ	تَتَشَرَّفْنَ (تَشَرَّفْنَ)	تَشَرَّفْنَ	جمع		
تَشَرَّفْتُ	أَتَشَرَّفُ	لَا تَشَرَّفْ	وحده	ا	متكلم
تَشَرَّفْنَا	نَتَشَرَّفُ	لِنَتَشَرَّفْ	مع الغير		

مشهورترین معنای باب تَفَعَّل

«مطاوعه» است؛ مانند:

طَهَّرْتُ الثَّوْبَ فَتَطَهَّرَ (لباس را پاکیزه کردم پس پاکیزه شد)؛

قَلَعَهُ فَتَقَلَّعَ (او را از بیخ و بن کند پس کنده شد).

باب استفعال

هشتمین باب از ابواب مشهور ثلاثی مزید است و ماضی آن دارای سه حرف زاید است «ا»، «س» و «ت».

هیئت این باب به صورت ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتِفْعَال
اِسْتَشْهَدَ ^۱	يَسْتَشْهَدُ	اِسْتِشْهَاد
اِسْتَنْقَذَ	يَسْتَنْقِذُ	اِسْتِنْقَاذ

ش ه د ←

ن ق ذ ←

۱. شهادت طلبید، گواهی خواست.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب استفعال

ماضی	مضارع	امر			
اِسْتَشْهَدَ	يَسْتَشْهَدُ	لِيَسْتَشْهَدْ	مفرد	مذكر	غائب
اِسْتَشْهَدَا	يَسْتَشْهَدَانِ	لِيَسْتَشْهَدَا	مثنی		
اِسْتَشْهَدُوا	يَسْتَشْهَدُونَ	لِيَسْتَشْهَدُوا	جمع		
اِسْتَشْهَدْتُ	تَسْتَشْهَدُ	لِتَسْتَشْهَدْ	مفرد	مؤنث	
اِسْتَشْهَدَتَا	تَسْتَشْهَدَانِ	لِتَسْتَشْهَدَا	مثنی		
اِسْتَشْهَدْنَ	يَسْتَشْهَدْنَ	لِيَسْتَشْهَدْنَ	جمع		
اِسْتَشْهَدْتَ	تَسْتَشْهَدُ	اِسْتَشْهَدْ	مفرد	مذكر	مخاطب
اِسْتَشْهَدْتَمَا	تَسْتَشْهَدَانِ	اِسْتَشْهَدَا	مثنی		
اِسْتَشْهَدْتُمْ	تَسْتَشْهَدُونَ	اِسْتَشْهَدُوا	جمع		
اِسْتَشْهَدْتِ	تَسْتَشْهَدِينَ	اِسْتَشْهَدِي	مفرد	مؤنث	
اِسْتَشْهَدْتَمَا	تَسْتَشْهَدَانِ	اِسْتَشْهَدَا	مثنی		
اِسْتَشْهَدْتُنَّ	تَسْتَشْهَدْنَ	اِسْتَشْهَدْنَ	جمع		
اِسْتَشْهَدْتُ	اَسْتَشْهَدُ	لَاَسْتَشْهَدْ	وحده	ا	متكلم
اِسْتَشْهَدْنَا	نَسْتَشْهَدُ	لِنَسْتَشْهَدْ	مع الغير		

مشهورترین معنای باب استفعال

«طلب» است؛ یعنی درخواست انجام فعل؛ مانند:

اِسْتَرْزَقَ (روزی طلبید)؛

اِسْتَنْصَرَ (یاری خواست).

خلاصه درس

- * مشهورترین معنای باب تفعّل، مطاوعه است.
- * مشهورترین معنای باب استفعال، طلب است.
- * طلب، یعنی درخواست.

پرسش و تمرین

۱- ماده ذیل را به باب تفعّل برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

ج م ل

۲- ماده ذیل را به باب استفعال برده، چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر آن را صرف کنید.

غ ف ر

۳- در آیات و روایات زیر، باب کلمات رنگی را مشخص، ماده و وزن آن‌ها را بنویسید.

* ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۱

* قال رسول الله ﷺ: **تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النِّظَافَةِ**.....^۲

* قال عليّ ؑ: **كَمْ مِنْ صَعْبٍ تَسَهَّلَ بِالرَّفَقِ**.^۳

* قال عليّ ؑ: **اسْتَزِلُّوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ**.^۴

* قال الصادق ؑ: مَنْ اسْتَذَلَّ مُؤْمِناً وَاسْتَحْقَرَهُ لِقَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ وَلِفَقْرِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ.^۵

* قال الصادق ؑ: إِنَّ فُقَرَاءَ الْمُسْلِمِينَ **يَتَقَلَّبُونَ** فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ قَبْلَ أَغْنِيَائِهِمْ بِأَرْبَعِينَ خَرِيفاً.^۶

۱. اعراف: ۳۴؛ برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

۲. نهج الفصاحه؛ ص ۳۹۱؛ با هر چیز توانستید خود را پاکیزه کنید چرا که خداوند متعال اسلام را بر پاکیزگی بنا نهاده است.

۳. تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۲۴۴؛ بسا سختی که با رفق و ملایمت آسان می‌شود.

۴. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۳۸۱؛ با صدقه، روزی را (از آسمان) فرود آورید.

۵. مرآة العقول؛ ج ۱۰، ص ۳۹۷؛ هر که مؤمنی را خوار کند و او را به خاطر نداری و فقرش کوچک شمارد، خداوند در روز قیامت در برابر خلایق او را رسوا خواهد کرد.

۶. الکافی (ط. الاسلامیه)؛ ج ۳، ص ۶۵۰؛ بدرستی که فقراء مسلمانان، ۴۰ سال زودتر از ثروتمندانشان در سبزه زارهای بهشت گشت و گذار می‌کنند.

درس پانزدهم

رباعی

این درس به:

* معرفی مجدد فعل رباعی؛ * ابواب متعدّد رباعی (مجزّد و مزید)؛ * معانی هریک از ابواب مزید؛
خواهد پرداخت.

مقدمه:

در درس بناء کلمه گذشت که فعل یا دارای سه حرف اصلی است که به آن «ثلاثی» می‌گویند و یا دارای چهار حرف اصلی است که به آن «رباعی» گفته می‌شود. هریک یا بدون حرف زاید است که به آن «مجزّد» می‌گویند و یا دارای حرف زاید است که به آن «مزید» می‌گویند؛ بنابراین برای فعل، چهار گونه بناء و ساختمان وجود دارد.

آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، فعل «ثلاثی» بود که در صورت مجزّد بودن دارای شش باب و در صورت مزید بودن دارای بیست و پنج باب بود. این فصل به بررسی «هیئت» و «معانی» افعال رباعی خواهد پرداخت.

رباعی مجرّد:

صیغه اوّل ماضی آن دارای چهار حرف اصلی و بدون هیچ زایدی است.
فقط یک باب دارد که هیئت آن به شرح ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
فَعَلَّ	يُفَعِّلُ	فَعْلَلَةٌ
زَلَزَلَ ^۱	يُزَلِّزُ	زَلْزَلَةٌ
بَسَمَلَ ^۲	يُبَسِّمِلُ	بَسْمَلَةٌ

زل زل ←

ب س م ل ←

نکته

کیفیت صرف صیغه‌های مختلف رباعی، همانند ثلاثی است.

۱. لرزاند.

۲. بسم الله گفت.

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر رباعی مجرّد

ماضی	مضارع	امر				
مفرد	زَلَزَلَ	يُزَلِّزُ	لِيُزَلِّزْ	مذكر	غائب	
مثنى	زَلَزَلَا	يُزَلِّزَانِ	لِيُزَلِّزَا			
جمع	زَلَزَلُوا	يُزَلِّزُونَ	لِيُزَلِّزُوا			
مفرد	زَلَزَلْتَ	تُزَلِّزُ	لِتُزَلِّزْ	مؤنث		
مثنى	زَلَزَلْتَا	تُزَلِّزَانِ	لِتُزَلِّزَا			
جمع	زَلَزَلْنَ	يُزَلِّزْنَ	لِيُزَلِّزْنَ			
مفرد	زَلَزَلْتُ	تُزَلِّزُ	زَلِّزْ	مذكر	مخاطب	
مثنى	زَلَزَلْتُمَا	تُزَلِّزَانِ	زَلِّزَا			
جمع	زَلَزَلْتُمْ	تُزَلِّزُونَ	زَلِّزُوا			
مفرد	زَلَزَلْتِ	تُزَلِّزِينَ	زَلِّزِي	مؤنث		
مثنى	زَلَزَلْتُمَا	تُزَلِّزَانِ	زَلِّزَا			
جمع	زَلَزَلْتُنَّ	تُزَلِّزْنَ	زَلِّزْنَ			
وحده	زَلَزَلْتُ	أُزَلِّزُ	لِأُزَلِّزْ		متكلم	
مع الغير	زَلَزَلْنَا	نُزَلِّزُ	لِنُزَلِّزْ			

رباعی مزید

افعالی هستند که صیغه اول ماضی آن‌ها علاوه بر چهار حرف اصلی، یک یا دو حرف زاید دارند. این نوع، دارای سه باب «تَفَعَّلَ»، اَفْعَلَّال و اَفْعَلَّال است. که در این مرحله باب تفعّل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- باب «تَفَعَّلَ»

ماضی این باب دارای یک حرف زاید است، حرف «ت». هیئت این باب به شرح ذیل است:

ماضی	مضارع	مصدر
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ
تَشَعَّشَعَ	يَتَشَعَّشَعُ	تَشَعُّشُعٌ
تَبَرَّقَعَ	يَتَبَرَّقَعُ	تَبَرُّقَعٌ

ش ع ش ع ←

ب ر ق ع ←

نکته

در این باب نیز، در صیغه‌هایی از مضارع که دو «تاء» مفتوح جمع می‌شوند، جایز است یکی از آن دو حذف شود؛ مانند:

تَتَشَعَّشَعُ (مضارع صیغه ۴ و ۷) ← تَشَعَّشَعُ

نمونه‌ای از صرف ماضی، مضارع و امر باب تفعّل

		ماضى	مضارع	امر
مذكر	مفرد	تَشَعَّشَعَ	يَتَشَعَّشَعُ	لِيَتَشَعَّشَعْ
	مثنى	تَشَعَّشَعَا	يَتَشَعَّشَعَانِ	لِيَتَشَعَّشَعَا
	جمع	تَشَعَّشَعُوا	يَتَشَعَّشَعُونَ	لِيَتَشَعَّشَعُوا
مؤنث	مفرد	تَشَعَّشَعَتْ	تَتَشَعَّشَعُ (تَشَعَّشَعُ)	لِتَتَشَعَّشَعْ
	مثنى	تَشَعَّشَعَتَا	تَتَشَعَّشَعَانِ (تَشَعَّشَعَانِ)	لِتَتَشَعَّشَعَا
	جمع	تَشَعَّشَعْنَ	يَتَشَعَّشَعْنَ	لِيَتَشَعَّشَعْنَ
مخاطب	مفرد	تَشَعَّشَعْتَ	تَتَشَعَّشَعُ (تَشَعَّشَعُ)	تَشَعَّشَعْ
	مثنى	تَشَعَّشَعْتُمَا	تَتَشَعَّشَعَانِ (تَشَعَّشَعَانِ)	تَشَعَّشَعَا
	جمع	تَشَعَّشَعْتُمْ	تَتَشَعَّشَعُونَ (تَشَعَّشَعُونَ)	تَشَعَّشَعُوا
	مفرد	تَشَعَّشَعْتِ	تَتَشَعَّشَعِينَ (تَشَعَّشَعِينَ)	تَشَعَّشَعِي
	مثنى	تَشَعَّشَعْتُمَا	تَتَشَعَّشَعَانِ (تَشَعَّشَعَانِ)	تَشَعَّشَعَا
	جمع	تَشَعَّشَعْتُنَّ	تَتَشَعَّشَعْنَ (تَشَعَّشَعْنَ)	تَشَعَّشَعْنَ
متكلم	وحده	تَشَعَّشَعْتُ	أَتَشَعَّشَعُ	لَا تَشَعَّشَعْ
	مع الغير	تَشَعَّشَعْنَا	نَتَشَعَّشَعُ	لِنَتَشَعَّشَعْ

معنای باب تفعّل

«مطاوعه» است؛ مانند:

زَمَزَمْتُ الْجَمَلَ فَتَزَمَزَمَ (شتر را به صدا درآوردم پس به صدا درآمد).

خلاصه درس

- * رباعی مجرّد دارای یک باب و رباعی مزید دارای سه باب است.
- * معنای باب تفعّل، مطاوعه است.

پرسش و تمرین

۱- ماده ذیل را به باب «فَعَلَّلَ» برده، چهارده صیغه ماضی آن را صرف کنید.

ل ق ل ق

۲- ماده ذیل را به باب «تَفَعَّلَ» برده، چهارده صیغه مضارع آن را صرف کنید.

غ ر ب ل

۳- در آیه زیر، باب کلمه رنگی را مشخص، ماده و وزن آن را بنویسید.

* ﴿...فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمْ...﴾

درس شانزدهم

معلوم و مجهول

این درس به:

* تعریف معلوم و مجهول؛ * طریقه مجهول کردن افعال معلوم؛
خواهد پرداخت.

معلوم و مجهول

در جملات ذیل، ستون‌های سمت راست را با سمت چپ مقایسه کنید.

خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ (خداوند انسان را آفرید) ← خُلِقَ الْإِنْسَانُ (انسان، آفریده شد).

سَرَقَ سَارِقٌ مَالاً (سارقى مالی را دزدید) ← سُرِقَ مَالٌ (مالی دزدیده شد).

قَتَلَ ابْنُ مَلْجَمٍ عَلِيًّا (ابن ملجم، علی را کشت) ← قُتِلَ عَلِيٌّ (علی کشته شد).

در جملات سمت راست، کننده کار که همان فاعل است در کلام ذکر شده که به ترتیب «الله»، «زید» و «ابن ملجم» است؛ اما در جملات سمت چپ فاعل فعل به جهت انگیزه‌هایی چون «تعظیم فاعل»، «نامعلوم بودن آن» و «تحقیر فاعل» ذکر نشده است. به فعلی که فاعل آن در کلام «ذکر» نشده است فعل «مجهول» گویند.

تذکر

هنگام مجهول کردن، علاوه بر تغییر حرکات فعل - که خواهد آمد- فاعل حذف شده و مفعول - که منصوب است- به جای فاعل - که مرفوع است - می‌نشیند که به آن «نائب فاعل» می‌گویند.

خَلَقَ	الله	الْإِنْسَانُ	←	خُلِقَ	الْإِنْسَانُ
فعل معلوم	فاعل مرفوع	مفعول منصوب		فعل مجهول	نائب فاعل مرفوع

ماضی مجهول

از ماضی معلوم ساخته می‌شود. برای ساختن آن، ماقبل آخر ماضی معلوم را مکسور و تمام حروف متحرک ماقبل آن را مضموم می‌کنید؛ مانند:

خَرَقَ (سوراخ کرد) ← خُرِقَ (سوراخ شد)؛
 اِسْتَخْرَجَ (درخواست خروج کرد) ← اُسْتُخْرِجَ (درخواست خروج شد).

جدول ماضی مجهول در ثلاثی و رباعی، مجرّد و مزید

معلوم	مجهول ^۱	مثال
فَعَلَ	فُعِلَ	قَتَلَ
فَعِلَ	فُعِلَ	شُهِدَ
فُعِلَ	فُعِلَ	كُرِمَ
أَفْعَلَ	أُفْعِلَ	أَعْلِمَ
فَعَلَ	فُعِلَ	فَرَحَ
فَاعَلَ	فُوعِلَ	جُودَلَ
تَفَاعَلَ	تُفُوعِلَ	تُقُوضِلَ
اِفْتَعَلَ	اُفْتُعِلَ	اُعْتِمِدَ
اِنْفَعَلَ	اُنْفُعِلَ	اُنْحَصِرَ
تَفَعَّلَ	تُفَعِّلَ	تُشْرِفَ
اِسْتَفْعَلَ	اُسْتُفْعِلَ	اُسْتُشْهِدَ
فَعَّلَلَ	فُعِّلَلَ	زُلْزِلَ
تَفَعَّلَلَ	تُفَعِّلَلَ	تُشْعِشِعَ
اِفْعَنْلَلَ	اُفْعَنْلَلَ	اُخْرُجِمَ
اِفْعَلَّلَ	اُفْعَلَّلَ	اُدْلِهَمَ

۱. مجهول برخی از این ابواب، نیازمند به « حرف جرّ » اند که در صرف ۲ با آن‌ها آشنا خواهید شد.

نکته

- ۱- تعداد صیغه‌ها و کیفیت صرف فعل مجهول، همانند فعل معلوم است.
- ۲- هنگام مجهول کردن، اگر فعل ماضی دارای حرف «الف» باشد، به خاطر مضموم شدن ما قبل آن، الف تبدیل به حرف «واو» می‌شود؛ مانند:

جَادَل ← مجهول ← جَادِل ← جُوْدَل

مضارع مجهول

از مضارع معلوم ساخته می‌شود. برای ساختن آن، ما قبل آخر مضارع معلوم را مفتوح و حرف مضارعه را مضموم می‌کنیم؛ مانند:

يُخْرِقُ (سوراخ می‌کند) ← يُخْرِقُ (سوراخ می‌شود)؛
يَسْتَخْرِجُ (درخواست خروج می‌کند) ← يَسْتَخْرِجُ (درخواست خروج می‌شود).

دفتر تخصصی تدریس حوزه های علمیه

جدول مضارع مجهول در ثلاثی و رباعی، مجرد و مزید

معلوم	مجهول	مثال
يَفْعَلُ	يُفْعَلُ	يُشْهَدُ
يَفْعَلُ	يُفْعَلُ	يُضْرَبُ
يَفْعَلُ	يُفْعَلُ	يُكْرَمُ
مزید	يُفْعَلُ	يُعْلَمُ
	يُفْعَلُ	يُفَرِّحُ
	يُفَاعَلُ	يُجَادِلُ
	يَتَفَاعَلُ	يَتَفَاضَلُ
	يَقْتَعِلُ	يُعْتَمَدُ
	يُنْفَعِلُ	يُنْخَصِرُ
	يَتَفَعَّلُ	يَتَسَرَّفُ
	يَسْتَفْعِلُ	يُسْتَشْهَدُ
مجرد	رباعی	يُزَلْزَلُ
مزید		يُسْعِشِعُ

امر مجهول

از مضارع مجهول ساخته می‌شود. برای ساختن آن لام امر را به ابتدای تمامی چهارده صیغه مضارع مجهول^۱ درآورده، علامت رفع را از آخر آن‌ها حذف می‌کنیم (یعنی جزم می‌دهیم)؛ مانند:

يُخْرِقُ ← لِيُخْرِقْ (باید سوراخ شود)؛
 يُسْتَخْرِجُ ← لِيُسْتَخْرِجْ (باید درخواست خروج شود).

خلاصه درس

- * فعل مجهول فعلی است که فاعل آن به جهت انگیزه‌هایی مانند «تعظیم»، «نامعلوم بودن» و «تحقیر» و... ذکر نشده است.
- * فعل معلوم دارای فاعل و فعل مجهول دارای نائب فاعل است.
- * اگر فعل ماضی معلوم دارای حرف «الف» باشد، در مجهول تبدیل به «واو» می‌شود.

۱. با توجه به ذکر جدول مضارع مجهول تمامی ابواب، نیازی به ذکر جدول امر مجهول نیست.

پرسش و تمرین

- ۱- «نائب فاعل» چیست؟
- ۲- چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر مجهول «اَختَمَلُ» را بنویسید.
- ۳- در آیات و روایت زیر، باب و نوع صیغه (ماضی، مضارع و امر) و ماده کلمات رنگی را مشخص کنید.

* «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً...»^۱

* «أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ»^۲

* «... يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مِنْقَ الطَّيْرِ...»^۳

* «... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۴

* قال عليّ ؑ: مَا اسْتَجْلَبَتِ الْمَحَبَّةُ بِمِثْلِ السَّخَاءِ وَالرَّفَقِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ^۵

۱. جمعه: ۵؛ داستان کسانی که مکلف به تورات شدند؛ ولی حق آن را ادا نکردند؛ مانند داستان درازگوشی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند، (اما چیزی از آن نمی‌فهمد).

۲. شعراء: ۱۴۶؛ آیا (شما فکر می‌کنید) همیشه در نهایت امنیت در نعمت‌هایی که این جاست می‌مانید.

۳. نمل: ۱۶؛ «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده».

۴. بقره: ۲۷۹؛ نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم می‌شود.

۵. تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۲۴۴؛ دوستی و محبت با هیچ چیز به دست نمی‌آید آن گونه که با بخشنده‌گی و مدارا و نیک اخلاقی به دست می‌آید.

تمرین دوره ای دو

۱- همانند نمونه حل شده، ماده‌ای که در جدول وارد شده را فقط به باب‌هایی که علامت گذاری شده‌اند برده، صیغه اول ماضی معلوم آن را بنویسید.

أَفْعَلْ	فَعَّلَ	فَاعَلَ	تَفَاعَلَ	اِفْتَعَلَ	اِنْفَعَلَ	تَفَعَّلَ	اِسْتَفْعَلَ
ب ح ث		بَاَحَثَ	تَبَاَحَثَ	اِئْتَحَثَ		تَبَحَّثَ	اِسْتَبَحَثَ
خ ت م							
ب د ل							
ج ب ر							
س ق ط							
ص د ر							
ض ب ط							
ع ج ز							
ف ج ر							
ق ص د							
ک س ر							
ل ح ق							
م ز ح							
ن ب ه							

۲- مادّه ای که در جدول وارد شده را به باب مورد نظر برده، طبق شماره صیغه جدول را کامل کنید.

باب	ماضی		مضارع		امر		ماده
	معلوم	مجهول	معلوم	مجهول	معلوم	مجهول	
افعال	۶	۲	۳	۱۱	۷	۷	ن ط ق
تفعیل	۴	۱۴	۵	۷	۳	۵	ه د م
استفعال	۱۰	۷	۸	۹	۱۳	۴	ع ط ف
مفاعله	۳	۱	۱۲	۶	۹	۱۳	ض ع ف
فَعَلَ يَفْعُلُ	۹	۳	۱۴	۲	۱۲	۸	م ل ک
فَعِلَ يَفْعِلُ	۱۳	۱۳	۱۰	۱۴	۱	۲	ب غ ض

مبحث اسم

دفتر تدوین متن علمی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس هفدهم

تقسیمات اسم (۱) مذکر و مؤنث

این درس به:

* تعریف مذکر و مؤنث؛ * انواع هریک از این دو؛ * علایم تأنیث؛

خواهد پرداخت.

فصل قبل به بررسی تقسیمات و حالات مختلف «فعل» اختصاص داشت و فصل حاضر به بررسی تقسیمات مختلف اسم می‌پردازد.

اسم از لحاظ جنس یا «مذکر» است یا «مؤنث».

مذکر

مذکر یا حقیقی است یا مجازی.

مذکر حقیقی (واقعی) اسمی است که بر انسان یا حیوان نردلالت می‌کند، یعنی مذکر جاندار؛ مانند: رَجُل، فیل.

مذکر مجازی (فرضی) اسمی است که حقیقتاً مذکر نیست، بلکه عرب‌ها آن را مذکر «فرض» کرده و با آن معامله کلمه مذکر نموده‌اند؛ مانند: قَلَم.

مؤنث

مؤنث یا حقیقی است یا مجازی و هریک یا لفظی است یا معنوی.

مؤنث حقیقی (واقعی) اسمی است که بر انسان یا حیوان ماده دلالت می‌کند، یعنی مؤنث جاندار؛ مانند: زینب، فیلّة. مؤنث مجازی (فرضی) اسمی است که حقیقتاً مؤنث نیست، بلکه عرب‌ها آن را مؤنث «فرض» کرده و با

آن معامله کلمه مؤنث نموده‌اند؛ مانند: **شَمْس**، **شَجَرَة**.

مؤنث لفظی: اگر در لفظ اسم، یکی از علایم تأنیث؛ یعنی «**ة**، **اء**، **ی**» وجود داشته باشد، مؤنث لفظی نامیده می‌شود خواه حقیقی باشد، مانند: **ناقَة** و خواه مجازی باشد، مانند: **شَجَرَة**.
مؤنث معنوی: اگر در لفظ اسم مؤنث، هیچ یک از علایم تأنیث وجود نداشته باشد، مؤنث معنوی نامیده می‌شود خواه حقیقی باشد، مانند: **زَینب** و خواه مجازی باشد، مانند: **شَمْس**.

نکته

راه تشخیص مذکر یا مؤنث مجازی مراجعه به استعمالات عرب است؛ مانند:

«فَالْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ»^۱ که از ضمیر مؤنث «**هِيَ**» می‌توان دریافت که مرجع آن یعنی «**عَصَا**» مؤنث است.
«قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۲ که از ضمیر مذکر «**هُوَ**» می‌توان دریافت که مرجع آن یعنی «**کتاب**» مذکر است.



۱. شعراء: ۳۲؛ در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان اژدهای آشکاری شد.

۲. قصص: ۴۹؛ بگو: اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست) کتابی هدایت بخش تر از این دو از نزد خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

پرسش و تمرین

- ۱- راه تشخیص مذکر یا مؤنث مجازی چیست؟
- ۲- لفظی یا معنوی بودن هر یک از اسم های مؤنث ذیل را مشخص کنید.
زَهْرَاءَ، مُؤْمِنَةً، هِنْدَ، جَهَنَّمَ، کُبْرَى، أُمّ، کَرِیمَةَ، عَینَ، أَرْضَ
- ۳- در آیات و روایت زیر، مذکر یا مؤنث بودن کلمات رنگی را تشخیص داده، علت را ذکر کنید:
﴿فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾^۱
﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾^۲
﴿وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ﴾^۳
﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾
*** قال الباقر (ع): إِنَّ الْكِذْبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ.**^۴

۱. نازعات: ۳۹؛ به یقین دوزخ جایگاه اوست.

۲. انعام: ۷۶؛ هنگامی که (تاریکی) شب او را فرا گرفت، ستاره‌ای را مشاهده کرد؛ گفت: «این پروردگار من است؟!». اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم».

۳. حجر: ۵۰؛ و (این که) عذاب من، همان عذاب دردناک است!

۴. بحار الانوار (ط. بیروت)؛ ج ۶۹، ص ۲۴۷؛ دروغ، حقیقتاً نابودی ایمان است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس هجدهم

تقسیمات اسم (۲) مفرد، مثنی، جمع

این درس به:

* تعریف مفرد، مثنی و جمع؛ * کیفیت تثنیه و جمع بستن مفرد؛
خواهد پرداخت.

مفرد، مثنی، جمع

اسم به حسب تعداد مصادیق خود یا مفرد یا مثنی و یا جمع است.

مفرد: اسمی است که بر «یک فرد» دلالت می‌کند خواه انسان یا حیوان یا شیء و یا... باشد؛ مانند:

مُسْلِم، مُسْلِمَة، عَقْرَب، قَلَم

مثنی: اسمی است که بر «دو فرد» دلالت می‌کند و با اضافه کردن «انِ» یا «ینِ» به انتهای مفرد ساخته می‌شود.

مثنی	مفرد + اَنِ	مُسْلِمَانِ	مُسْلِمَتَانِ	عَقْرَبَانِ	قَلَمَانِ
	مفرد + اَیْنِ	مُسْلِمَیْنِ	مُسْلِمَتَیْنِ	عَقْرَبَیْنِ	قَلَمَیْنِ

جمع: اسمی است که بر «بیش از دو فرد» دلالت می‌کند و به دو نوع «سالم» و «مکسر» تقسیم می‌شود.

جمع سالم

جمعی است که غالباً شکل مفرد آن هنگام جمع بستن، «سالم» می‌ماند و دچار تغییر نمی‌شود و به دو

نوع «جمع سالم مذکر» و «جمع سالم مؤنث» تقسیم می‌شود.

۱- جمع سالم مذکر: با اضافه کردن «وَنَ» یا «یْنَ» به انتهای اسمی که مذکر است ساخته می‌شود.

مُسلِمُونَ	مفرد مذکر + ـُؤَنَ	جمع سالم مذکر
مُسْلِمِینَ	مفرد مذکر + ـِیْنَ	

۲- جمع سالم مؤنث: با اضافه کردن «ات» به انتهای اسمی که مؤنث است ساخته می‌شود.

مُسْلِمَات	مفرد مؤنث + ـَات	جمع سالم مؤنث
------------	------------------	---------------

نکته

اگر کلمه‌ای دارای تاء تأنیث باشد، هنگام اضافه کردن «ات» به آن، «ة» حذف می‌شود.

جمع مکسر

جمعی است که شکل مفرد آن هنگام جمع بستن، دچار تغییر شده و اصطلاحاً «شکسته» می‌شود. این شکسته شدن:

الف) معمولاً با اضافه کردن حرف یا حروفی به مفرد؛ مانند: عَقْرَب ← عَقَارِب؛
 ب) و گاهی با کاستن حرف یا حروفی از مفرد؛ مانند: کِتَاب ← کُتُب؛
 صورت می‌گیرد.

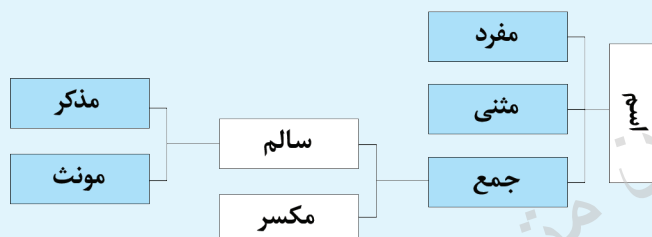
نکته

جمع مکسر غالباً از فرمول خاصی تبعیت نمی‌کند و برای تعیین آن نیازمند مراجعه به کتب لغت هستیم.

مشهورترین اوزان آن عبارت است از:

أَفْعُلَ	مانند	أَعْيُنَ	جمع	عَيْنَ
أَفْعَالُ	مانند	أَقْلَامُ	جمع	قَلَمَ
فُعَالُ	مانند	تُجَارُ	جمع	تَاجِرَ
فُعُولُ	مانند	عُلُومُ	جمع	عِلْمَ
فُعَلَاءُ	مانند	شُعَرَاءُ	جمع	شَاعِرَ
أَفْعِلَاءُ	مانند	أَقْرِبَاءُ	جمع	قَرِيبَ
فَوَاعِلُ	مانند	جَوَاهِرُ	جمع	جَوْهَرَ
مَفَاعِلُ	مانند	مَسَاجِدُ	جمع	مَسْجِدَ

خلاصه درس



پرسش و تمرین

۱- فرق جمع سالم و مکسر را بیان کنید.

۲- از کلمات مفرد ذیل، مثنی بسازید.

نَاقَة، صَالِح، فَاطِمَة، أَحْمَق، خَصْلَة، رِزْق

۳- کلمات مذکر را جمع مذكر سالم و کلمات مؤنث را جمع مؤنث سالم ببندید.

مُتَشَابِهَة، عَرَفَة، عَالِم، مَرِيَم، عَالِمَة، مُحَمَّد

۴- در آیات و روایات زیر، مفرد کلمات رنگی را بنویسید.

* ﴿... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قُرَّةَ أَعْيُنٍ...﴾^۱

* ﴿الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾^۲

* قال رسول الله ﷺ: الْبَنَاتُ هُنَّ الْمُسْهِقَاتُ الْمُجَهِّزَاتُ الْمُبَارَكَاتُ ...^۳

* قال الباقر (ع): يَبْسُ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَذَا لِسَانَيْنِ يُطْرِي أَخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدُهُ وَإِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ.^۴

۱. فرقان: ۷۴؛ «پروردگارا! همسران و فرزندانمان را مایه روشنی چشم ما قرار ده».

۲. آل عمران: ۱۷؛ آنها که (در مسیر اطاعت و ترک گناه)، استقامت می‌ورزند؛ راستگو هستند؛ (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند؛ و در سحرگاهان از خداوند، آموزش می‌طلبند.

۳. کنز العمال، ج ۱۶؛ ص ۴۵۴؛ دختران، دلسوز و مددکار و بابرکت‌اند.

۴. الآمالی (للصدوق)؛ ص ۳۳۷؛ چه بد عبدی است عبدی که «دورو» و «دوزبان» است. (زبان باز حيله گراست) در حضور، از برادر (دینی) اش تعریف و تمجید می‌کند و در غیاب، بدگویی و غیبت او را می‌کند. اگر به برادرش چیزی برسد، بر او حسد می‌ورزد و اگر رنجی ببیند، او را یاری نمی‌کند.

درس نوزدهم

اسم فاعل

این درس به:

* تعریف اسم فاعل؛ * و کیفیت ساخت آن؛

خواهد پرداخت.

مقدمه

اسم دارای هیئت‌ها و قالب‌های مختلفی است که در کتاب حاضر چهار مورد از پرکاربردترین آن‌ها؛ یعنی اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل و اسم مبالغه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

اسم فاعل

اسمی است که بر کسی یا چیزی که «کاری از او سر زده» است دلالت می‌کند.

کیفیت ساخت

- ۱- در ثلاثی مجزّد: بر وزن «فَاعِل» ساخته می‌شود؛ مانند: عَابِد (عبادت کننده)؛
- ۲- در غیر ثلاثی مجزّد (یعنی: ثلاثی مزید، رباعی مجزّد و رباعی مزید): از مضارع معلوم ساخته می‌شود به این صورت که میم مضمومی به جای حرف مضارعه قرار داده و ما قبل فعل را مکسور می‌کنیم؛ مانند: يُكْرِمُ ← مُكْرِم (گرامی دارنده، اکرام کننده).

اسم فاعل باب‌های مختلف

مثال	وزن اسم فاعل	وزن مضارع			
نَاقِل	فَاعِل	-	مَجْرَد	ثلاثي	فعل
مُعَلِّم	مُفْعِل	يُفْعِلُ	مَزِيد		
مُفَرِّح	مُفْعِل	يُفْعِلُ			
مُجَادِل	مُفَاعِل	يُفَاعِلُ			
مُتَفَاعِل	مُتَفَاعِل	يَتَفَاعَلُ			
مُعْتَمِد	مُفْتَعِل	يُفْتَعِلُ			
مُنْخَصِر	مُنْفَعِل	يُنْفَعِلُ			
مُتَشَرِّف	مُتَفَعِل	يَتَفَعِلُ			
مُسْتَشْهِد	مُسْتَفْعِل	يُسْتَفْعِلُ			
مُرْزِل	مُفْعِل	يُفْعِلُ	مَجْرَد	رباعي	
مُتَشَعِّشِع	مُتَفَعِّل	يَتَفَعَّلُ	مَزِيد		
مُخَرَّنِجِم	مُفْعَنِّل	يُفْعَنِّلُ			
مُدْلِهَم	مُفْعَلِّل	يُفْعَلِّلُ			

نکته

اسم فاعل دارای شش صیغه است. تنوع در جنس (مذکر، مؤنث) و تعداد (مفرد، مثنی و جمع) صیغ مختلف آن را شکل می‌دهد؛ مانند:

مؤنث	مذکر		
عَابِدَةٌ	عَابِدًا	مفرد	اسم فاعل
عَابِدَتَانِ	عَابِدَانِ	مثنی	
عَابِدَاتٌ	عَابِدُونَ	جمع	

۱. جهت سهولت در فراگیری، کلیه صیغ اسم فاعل، در حالت رفعی صرف شده اند.

خلاصه درس

* اسم فاعل برکننده کار یا دارنده حالت دلالت می‌کند.

* اسم فاعل دارای شش صیغه است.

پرسش و تمرین

۱- از کلمات ذیل اسم فاعل ساخته و به فارسی ترجمه کنید.

نَشَرَ، دَافَعَ، غَلَبَ، حَمَدَ، أَفْرَطَ، عَلِمَ، بَدَّلَ

۲- شش صیغه اسم فاعل های ذیل را صرف کنید.

كَافِرٌ، مُجْتَبِهٌ

۳- در آیه و روایات زیر، کلمات رنگی اسم فاعل هستند، ماده و باب و صیغه هر کدام را بنویسید.

* ﴿... فَأَرْسِلْ مَعَنَا آحَنَّا نَكْتُلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

* قال رسول الله ﷺ: ... إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيُّ الْحَاضِرُونَ الصَّلَاةَ وَالْمُسَارِعُونَ إِلَى

الزَّكَاةِ وَالْمُطْعَمُونَ لِلْمَسْكِينِ، الْمَاسِحُونَ لِرَأْسِ الْيَتِيمِ، الْمُطَهَّرُونَ أَطْمَارَهُمْ، ...^۱

* قال عليّ ؑ: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدَوَانِ مُتَفَاوِتَانِ وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ.^۲

* قال الصادق ؑ: ... عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ، حَافِظًا لِّلْسَانِهِ.^۳

۱ . یوسف: ۶۲؛ پس برادرمان را با ما بفرست، تا پیمانهای (از غله) دریافت داریم؛ و به یقین ما او را محافظت خواهیم کرد.

۲ . الکافی (ط . دارالحديث)؛ ج ۳، ص ۵۸۷؛ ای علی! از اخلاق مومنان (این است که) حاضر شوندگان به نماز (جماعت) اندو در پرداخت زکات شتابان و طعام دهنده مساکین اند، دست نوازش کشنده بر سر یتیم اند و پاکیزه کننده لباس های خوداند.

۳ . الحیة؛ ترجمه احمد آرام؛ دنیا (پرستی) و آخرت دو دشمن بیگانه با همد و دو راه مختلف اند.

۴ . الکافی (ط . الاسلامیه)؛ ج ۲، ص ۱۱۶؛ بر عاقل است که آگاه به (اوضاع) زمان خود بوده، به امورات خود پرداخته و نگه دار زبان خود باشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس بیستم

اسم مفعول

این درس به:

* تعریف اسم مفعول؛ * و کیفیت ساخت آن؛

خواهد پرداخت.

اسم مفعول

اسمی است که بر کسی یا چیزی که «کاری بر او واقع شده» است دلالت می‌کند.

- ۱- در ثلاثی مجزّد: بر وزن «مَفْعُول» ساخته می‌شود؛ مانند: مَعْبُود (عبادت شده)؛
- ۲- در غیر ثلاثی مجزّد: از مضارع مجهول ساخته می‌شود به این صورت که میم مضمومی به جای حرف مضارعه قرار می‌دهیم؛ مانند:
يُكْرَمُ ← مجهول ← يُكْرَمُ ← مُكْرَم (گرامی داشته شده، اکرام شده).

اسم مفعول باب‌های مختلف

مثال	وزن اسم مفعول ^۱	وزن مضارع مجهول			
مَنْقُول	مَفْعُول	-	مجزّد	ثلاثی	فعل
مُعَلِّم	مُفْعَل	يُفْعَلُ	مزید		
مُفَرِّح	مُفْعَل	يُفْعَلُ			
مُجَادِل	مُفَاعَل	يُفَاعَلُ			
مُتَفَاَضِل	مُتَفَاعَل	يُتَفَاعَلُ			
مُعْتَمِد	مُفْتَعَل	يُفْتَعَلُ			
مُنْخَصِر	مُنْفَعَل	يُنْفَعَلُ			
مُتَشَرَّف	مُتَفَعَل	يُتَفَعَلُ			
مُسْتَشْهِد	مُسْتَفْعَل	يُسْتَفْعَلُ	مجزّد		
مُرْزَل	مُفْعَل	يُفْعَلُ		مزید	
مُتَشَشِّع	مُتَفْعَل	يُتَفْعَلُ			
مُحَرَّنَجِم	مُفْعَلَل	يُفْعَلَلُ			
مُدْلَهَم	مُفْعَلَل	يُفْعَلَلُ			

نکته

اسم مفعول غالباً دارای شش صیغه است.

مؤنث	مذكر		
مَعْبُودَةٌ	مَعْبُودٌ	مفرد	اسم مفعول
مَعْبُودَتَانِ	مَعْبُودَانِ	مثنی	
مَعْبُودَاتُ	مَعْبُودُونَ	جمع	

۱. در ساخت برخی از اسم مفعول ها نیاز به « حرف جر » است که در صرف ۲ خواهد آمد.

خلاصه درس

- * اسم مفعول اسمی است که کاری بر او واقع شده یا حالتی را پذیرفته است.
- * اسم مفعول غالباً شش صیغه دارد.

پرسش و تمرین

۱- از کلمات ذیل، اسم مفعول ساخته و به فارسی ترجمه کنید.

نَسَرَ، دَافَعَ، غَلَبَ، حَمَدَ، أَفْرَطَ، عَلِمَ، بَدَّلَ

۲- شش صیغه اسم مفعول های ذیل را صرف کنید.

مَحْفُوظٌ، مَعْلَقٌ

۳- در آیات زیر، کلمات رنگی اسم مفعول هستند، ماده و باب و صیغه هر کدام را بنویسید.

* ﴿... أَعْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾^۱

* ﴿... لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ...﴾^۲

* ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾^۳

* ﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى...﴾^۴

* ﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾^۵

۱. اسراء: ۹۸؛ آیا بار دیگر آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟! .

۲. نساء: ۵۷؛ و در آنجا همسرانی پاکیزه برای آن ها خواهد بود.

۳. مطففین: ۲۸؛ همان چشمه ای که مقربان از آن می نوشند.

۴. بقره: ۲۶۳؛ گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از تندخویی آن ها)، از صدقه ای که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است از صدقه ای که به دنبالش آزار باشد... .

۵. واقعه: ۶۰؛ ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم و هرگز کسی بر ما پیشی نمی گیرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس بیست و یکم

اسم تفضیل و اسم مبالغه

این درس به:

* تعریف اسم تفضیل و اسم مبالغه؛ * شرایط ساخت آن‌ها و اوزان هریک؛
خواهد پرداخت.

اسم تفضیل

اسمی است که هنگام مقایسه بین دو یا چند چیز، دلالت بر «برتری صفت» در یکی از آن‌ها می‌کند؛ مانند:
لا کُنْزَ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ (هیچ گنجی سودمند تر از علم نیست).

کیفیت ساخت

اسم تفضیل در مذکر بر وزن «أَفْعَل» و در مؤنث بر وزن «فُعْلَى» ساخته می‌شود؛ مانند: أَعْظَمُ، عَظَمَى.

شرایط ساخت

اسم تفضیل از فعلی ساخته می‌شود که ثلاثی، مجرّد و معلوم بوده و قابل زیادت و نقصان باشد؛ بنابراین
از افعالی، مانند: «زَمَزَمَ، اِنْكَسَرَ، ضَرَبَ وَ مَاتَ» بر وزن «أَفْعَل» اسم تفضیل ساخته نمی‌شود.

اسم مبالغه (صیغه مبالغه)

اسمی است که دلالت بر «کثرت و فراوانی» صفتی در فرد می‌کند؛ مانند: كَذَّاب (بسیار دروغگو).

کیفیت ساخت

اوزان اسم مبالغه از قانون خاصی تبعیت نمی‌کنند و به اصطلاح «**سماعی**» اند. مشهورترین آن‌ها عبارتند از:

فَعَّال	مانند	سَتَّار	بسیار پوشاننده
فَعِيل	مانند	قَدِير	بسیار توانا
فُعُول	مانند	عَفُور	بسیار بخشنده
فَعَّالَة	مانند	عَلَّامَة	بسیار دانا
فَعِيل	مانند	قَدِيس	بسیار پاک

شرط ساخت

اسم مبالغه غالباً از ثلاثی مجزّد ساخته می‌شود.

خلاصه درس

* اسم تفضیل بر «برتری صفتی» در فردی نسبت به فرد دیگر دلالت می‌کند.

* اسم مبالغه بر «کثرت صفتی» در فرد دلالت می‌کند.

پرسش و تمرین

۱- از هر کدام از کلمات ذیل که شرایط ساخت اسم تفضیل را دارند، اسم تفضیل بسازید.

مُنْع، صَلَح، رَجِم، فَقَد، انْقَطَعَ

۲- در آیات زیر، اسم تفضیل یا اسم مبالغه بودن کلمات رنگی را مشخص، ماده، وزن و ترجمه آن را بنویسید.

* ﴿... إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا...﴾

* ﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ...﴾^۱

* ﴿... إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾^۲

* ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...﴾^۳

* ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾^۴

۱ . یونس: ۲۱؛ در مورد آیات ما (با توجیهات ناروا) توطئه می‌کنند؛ بگو: «تدبیر خداوند (از شما) سریع تر است».

۲ . مائده: ۷۵؛ مسیح فرزند مریم، فقط پیامبر (خدا) بود؛ پیش از وی نیز، پیامبرانی بودند؛ مادرش، زن بسیار راستگویی بود.

۳ . ابراهیم: ۳۴؛ انسان، ستمکار و ناسپاس است.

۴ . اعراف: ۱۸۰؛ و بهترین نام‌ها برای خداست.

۵ . یوسف: ۵۳؛ نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

تمرین دوره ای سه

* در آیات و روایات زیر، کلمات رنگی را داخل جدول وارد کرده، آن را کامل کنید.

* ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ...﴾^۱

* ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْالُونَ لِلسُّحْتِ...﴾^۲

* ﴿... وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا...﴾^۳

* ﴿مُذَبِّذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ...﴾^۴

* ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؟ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^۵

* قال الباقر (ع): الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ...^۶

* قال الصادق (ع): مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبِيهِ نَظَرَ مَاتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً.^۷

* قال الصادق (ع): الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَاذِبٍ.^۸

۱ . بقره: ۲۲۱؛ و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید.

۲ . مائده: ۴۲؛ آن‌ها با دقت (به سخنان تو) گوش می‌دهند تا (دستاویزی پیدا کنند و آن را) تکذیب نمایند و بسیار مال حرام می‌خورند.

۳ . توبه: ۴۰؛ و گفتار (و خواسته) کافران را پایین‌تر قرار داد، (و آن‌ها را با شکست مواجه ساخت) و تنها سخن خدا (و آیین او)، برتر (و پیروز) است.

۴ . نساء: ۱۴۳؛ آن‌ها افراد بی‌هدفی هستند که نه سوی این‌ها هستند و نه سوی آن‌ها. (در واقع، نه در صف مؤمنان قرار دارند و نه در صف کافران).

۵ . کهف: ۱۰۳-۱۰۴؛ بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ آن‌ها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (وناپود) شده با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند!».

۶ . الکافی (ط . الاسلامیه)؛ ج ۲، ص ۸۹؛ بهشت پوشیده شده با سختی‌ها و صبر است . پس آنکه در دنیا بر سختی‌ها صبر کند، داخل بهشت خواهد شد.

۷ . وسائل الشیعه؛ ج ۲۱، ص ۵۰۱؛ کسی که به پدر و مادر خود نگاه بغض آلود کند، (حتی) در حالی که آن دو به او ظلم کرده‌اند، خداوند هیچ نمازی را از او نخواهد پذیرفت.

۸ . الوافی؛ ج ۵، ص ۵۴۰؛ اصلاح‌کننده (روابط مردم) دروغگو نیست . (آنکه به جهت اصلاح روابط مردم و رفع کینه و کدورت بین آن‌ها مجبور به گفتن دروغ باشد، در واقع دروغگو نیست).

[illegible]

درس بیست و دوم

غیر سالم معتل

این درس به:

* تعریف کلمه «سالم» و «غیر سالم»؛ * اقسام کلمه «غیر سالم»؛ * و انواع معتلات؛ خواهد پرداخت.

مقدمه

از بین بیست و هشت حرف الفبای زبان عربی، غالباً حروف عله (واو، یاء، الف) و همزه و همچنین دو حرف همجنس کنار هم در معرض تغییراند.

اگر در بین حروف اصلی کلمه‌ای، هیچ کدام از حروف مذکور نباشد، کلمه را «سالم» می‌نامند؛ مانند: مَنَعَ. و اگر در بین حروف اصلی کلمه‌ای، وجود داشته باشند، کلمه را «غیر سالم» می‌نامند؛ بنابراین کلمه غیر سالم، کلمه‌ای است که یا:

الف) در حروف اصلی آن، حرف عله وجود دارد که «معتل» نامیده می‌شود؛ مانند: وَعَدَ؛

ب) در حروف اصلی آن، همزه وجود دارد که «مهموز» نامیده می‌شود؛ مانند: أَمَرَ؛

ج) در حروف اصلی آن، دو حرف همجنس وجود دارد که «مضاعف» نامیده می‌شود؛ مانند: مَدَدَ.

نکته

- ۱- کلمات غیر سالم در معرض تغییراند و با توجه به اینکه علم صرف، علم شناسایی تغییرات کلمه است؛ لذا از جمله مسائلی است که کانون توجه علماء صرف واقع شده است.
- ۲- تغییرات کلمات غیر سالم، از نوع تغییرات لفظی است؛ یعنی تغییراتی که انگیزه و هدف آن «سهولت در تلفظ» و «کاستن یا زدودن ثقلت (سنگینی)» در این کلمات است.

معتل

کلمه‌ای است که یک یا چند حرف از حروف اصلی آن، حرف عله باشد؛ به خلاف کلمه «صحیح» که هیچ کدام از حروف اصلی آن «عله» نیست.

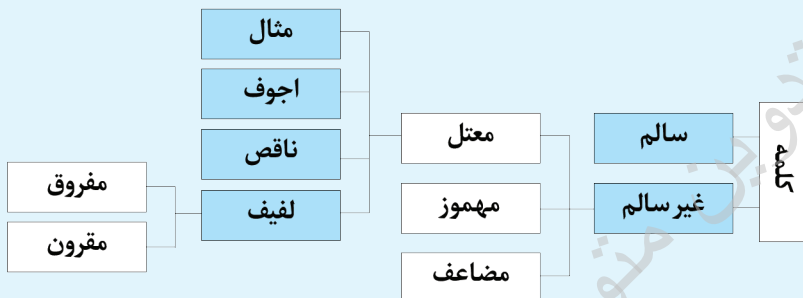
- (الف) «مثال» یا معتل الفاء: کلمه‌ای که اولین حرف اصلی آن حرف عله است؛ مانند: **وَعَدَ، يَسِرُ؛**
- (ب) «اجوف» یا معتل العین: کلمه‌ای که دومین حرف اصلی آن، حرف عله است؛ مانند: **قَوْلَ، بَيْعَ؛**
- (ج) «ناقص» یا معتل اللام: کلمه‌ای که سومین حرف اصلی آن، حرف عله است؛ مانند: **دَعَا، رَمَى؛**
- (د) «لفیف»: کلمه‌ای که دو حرف از حروف اصلی آن حرف عله است که خود بر دو قسم است:
- ۱- لفیف مفروق یا معتل الفاء و اللام: کلمه‌ای که اولین و سومین حرف از حروف اصلی آن حرف عله‌اند؛ مانند: **وَفَى؛**

- ۲- لفیف مقرون: کلمه‌ای که دو حرف از حروف اصلی کنار آن، حرف عله‌اند. این دو حرف یا اولین و دومین حرف اصلی‌اند؛ یعنی معتل الفاء و العین، مانند: **يَوْمَ** یا دومین و سومین حرف اصلی‌اند؛ یعنی معتل العین و اللام، مانند: **شَوَى.**

نکته

به غیر از معتل الفاء و العین - که اختصاص به اسم دارد-، بقیه اقسام کلمه معتل، بین اسم و فعل مشترک‌اند.

خلاصه درس



پرسش و تمرین

۱- «صحيح» و «سالم» را با هم مقایسه کنید.

۲- چرا کلمات غير سالم بیشتر مورد توجه صرفیون واقع شده‌اند؟

۳- در آیات و روایات زیر، کلمات رنگی معتل اند، نوع و ماده و وزن هر کدام را بنویسید.

* ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ﴾^۱

* ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ...﴾^۲

* ﴿... إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ...﴾^۳

* ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾^۴

* قال الصادق (ع): أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَآخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَالْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ.^۵

* قال الصادق (ع): لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ إِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ

اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَادَاءِ أَمَانَتِهِ.^۶

۱. ماعون: ۴-۶؛ پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند همان کسانی که ریا می کنند.

۲. بینه: ۵؛ و به آن ها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند.

۳. نجم: ۳۲؛ (و بدان که) آمرزش پروردگار تو گسترده است.

۴. نجم: ۳۹ و ۴۰؛ و این که برای انسان چیزی جز (حاصل) سعی و کوشش او نیست، و این که تلاش او بزودی دیده می شود.

۵. من لا یحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۱۷؛ نماز اول وقت سرشار از خشنودی خدا و در پایان وقت مشمول عفو و بخشش خداوند می شود (بدیهی است) عفو و بخشش جز در مورد گناه صدق نمی کند.

۶. وسائل الشیعه: ج ۱۹، ص ۶۸؛ (تنها) نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید زیرا (ممکن است) این کار برای آنها به صورت عادت درآمد باشد که اگر آن را ترک کنند، احساس وحشت می کنند، ولی نگاه به راستگویی و امانت داری آن ها کنید.

مبحث غیر سالم

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس بیست و سوم

برخی از قواعد اعلال

این درس به:

* برخی از قواعد اعلال؛ * قواعد هریک از انواع اعلال؛

خواهد پرداخت.

حروف عله نسبت به بقیه حروف الفبا دارای ثقل است و سنگینی اند؛ لذا جهت زدودن و یا کاستن این ثقل است، تغییراتی بر این حروف عارض می شوند که اصطلاحاً «اعلال» نامیده می شوند.

انواع اعلال

اعلال بر سه نوع است:

- ۱- «قلبی» یعنی تبدیل حرف عله به حرف دیگر؛ مانند: صَوَم ← صَام؛
- ۲- «سکونی» یعنی ساکن کردن حرف عله؛ مانند: یَصُوْم ← یَصُوْمُ؛
- ۳- «حذفی» یعنی حذف کردن حرف عله؛ مانند: لَيَصُوْم ← لَيَصُم.

برخی قواعد اعلال^۲

۱. روزه گرفت.

۲. در این بخش از کتاب نیز همانند سایر بخش ها، به کلیات بحث پرداخته شده و از ذکر قیود و شرایط خاص حاکم بر هریک از قواعد اعلال اجتناب شده است؛ لذا در این سطح، نیازی به صرف چهارده صیغه افعال معتل نیست و این مهم، به صرف ۲ و گذار شده است.

برخی از مهمترین قواعد اعلال عبارتند از:

۱- واو ساکن ماقبل مکسور، به تناسب حرکت ماقبل، قلب به یاء می شود؛ مانند:

مِوْزَان ← مِیْزَان^۱
صِوْغَةً ← صِیْغَةً

۲- واو و یاء متحرک در صورتی که ماقبلشان مفتوح باشد، به تناسب حرکت ماقبل^۲، قلب به الف می شوند؛ مانند:

قَوْل ← قَال^۳ دَعَوَ ← دَعَا^۴
بِیَع ← بَاع^۵ رَمَى ← رَمَى^۶

۳- واو و یاء مکسور یا مضموم که ماقبل آنها فتحه نباشد، بعد از سلب حرکت ماقبل، حرکتشان به ما قبل داده می شود. مانند:

قَوْل ← قَوْل قِل ← قِل
يَدْعُوْنَ ← يَدْعُوْنَ يَدْعُوْنَ ← يَدْعُوْنَ

۴- اگر وضعیتی پیش آید که دو حرف ساکن در کنار هم قرار گیرند (التقاء ساکنین) برای خروج از این وضعیت حرف عله را حذف می کنیم؛ مانند:

يَقُولُ ← دَخُول لام امر ← لَيَقُولُ ← لَيَقُلْ.

۱. ترازو.

۲. حرکت متناسب با واو، ضمه است و با یاء کسره و با الف فتحه است. در صورتی که حرف عله ساکن باشد و حرکت ماقبل آن متناسب با آن باشد، آن را «حرف مد» می نامند.

۳. گفت.

۴. صدا زد، خواند.

۵. فروخت.

۶. پرتاب کرد.

خلاصه درس

قلبی: مانند تبدیل «واو» ساکن ماقبل مکسور به «یاء».

سکونی: مانند انتقال حرکت واو و یاء مکسور یا مضموم که ماقبل آنها فتحه نباشد.

حذفی: مانند حذف حرف عله در التقای ساکنین.

اعلال

پرسش و تمرین

- ۱- حرکت متناسب هر یک از حروف عله را بنویسید.
- ۲- التقاء ساکنین چیست؟ راه علاج آن کدام است؟
- ۳- برای هر کدام از قواعد اعلال، نمونه‌های دیگر غیر از مثال‌های کتاب را بنویسید؟

دفتر نشر علمین
معاون مدرس حوزه های علمیه

درس بیست و چهارم

غیر سالم مهموز

این درس به:

* تعریف کلمه «مهموز»؛ * و بررسی انواع تغییرات این کلمه؛
خواهد پرداخت.

مهموز

کلمه‌ای است که حداقل یکی از حروف اصلی آن «همزه» است.

انواع مهموز

- ۱- «مهموز الفاء»؛ مانند: **أَمْرٌ**؛
- ۲- «مهموز العین»؛ مانند: **سَأَلَ**؛
- ۳- «مهموز اللام»؛ مانند: **قَرَأَ**.

تغییرات مهموز

حرف «همزه» و خصوصاً اجتماع دو همزه سنگین و ثقیل است؛ لذا با «تبدیل» آن به حرف دیگر و یا «حذف» کردن آن سعی در «کاستن و یا زدودن» این ثقلت دارند.
به تغییرات همزه، «**تخفیف**» گفته می‌شود که بر دو قسم است: **قلبی** و **حذفی**.

۱. دستور داد.

۲. پرسش کرد، طلب کرد، گدایی کرد.

۳. خواند.

تخفیف قلبی

اگر در کلمه‌ای، همزه ساکن بعد از همزه متحرک قرار گیرد واجب است همزه ساکن را به «حرف مدّ»^۱ تبدیل کنیم؛ مدّی متناسب با حرکت ما قبل؛ یعنی:

اگر ما قبل، فتحه باشد، همزه ساکن به «الف» تبدیل می‌شود؛ مانند: **أَمَّنَ** ← **أَمِّنَ**؛

اگر ما قبل، کسره باشد، همزه ساکن به «یاء» تبدیل می‌شود؛ مانند: **إِيمَان** ← **إِيمَانِ**؛

اگر ما قبل، ضمه باشد، همزه ساکن به «واو» تبدیل می‌شود؛ مانند: **أُؤْمِنَ** ← **أُؤْمِنُ**.

تخفیف حذفی

این نوع تخفیف، سماعی است. مهم‌ترین موارد «وجوبی» آن در امر مخاطب دو فعل «أَكَلَ» و «أَخَذَ» رخ می‌دهد؛ به عنوان مثال، هنگام ساخت امر مخاطب از فعل «تَأْكُلُ» حرف مضارعه را از ابتدا و علامت رفع را از انتهای کلمه حذف می‌کنیم ← **أَكُلْ**، به جای اینکه طبق روال قانونی، جهت خروج از وضعیت «ابتدا به سکون» همزه‌ای به ابتدای کلمه اضافه شود، «سماعاً» خود همزه ساکن را که فاء الفعل کلمه است حذف نموده‌اند ← **كُلْ**.

نکته

۱- همزه، غالباً بر روی «کرسی» (پایه) نوشته می‌شود؛ مانند: **أَدَبٌ ، سُئِلَ ، مُؤْمِنٌ**.

۲- کیفیت صرف چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر مهموز، در بسیاری موارد، همانند «سالم» است؛ مانند:

۱. حرف مدّ، حرف عله ساکنی است که حرکت ما قبل آن متناسب با اوست.

۲. این کلمه به صورت‌های «أَمَّنَ» یا «ءَأَمَّنَ» نگارش می‌شود («أ» معادل دو حرف است).

ماضی		مضارع		امر	
معلوم	مجهول	معلوم	مجهول	معلوم	مجهول
تعداد	جنس	مفرد	مثنی	جمع	مفرد
أَخَذَ	يَأْخُذُ	يَأْخُذُ	يَأْخُذَانِ	يَأْخُذَا	يَأْخُذُوا
أَخَذَتْ	تَأْخُذُ	تَأْخُذُ	تَأْخُذَانِ	تَأْخُذَا	تَأْخُذُوا
أَخَذْتُمَا	تَأْخُذْتُمَا	تَأْخُذْتُمَا	تَأْخُذْتُمَا	تَأْخُذَا	تَأْخُذُوا
أَخَذْتُمْ	تَأْخُذْتُمْ	تَأْخُذْتُمْ	تَأْخُذْتُمْ	تَأْخُذُوا	تَأْخُذُوا
أَخَذَتِ	تَأْخُذِي	تَأْخُذِي	تَأْخُذِينَ	تَأْخُذِي	تَأْخُذِي
أَخَذْتِنَا	تَأْخُذْنَا	تَأْخُذْنَا	تَأْخُذْنَ	تَأْخُذْنَا	تَأْخُذْنَ
أَخَذْتُ	أَوْخُذُ	أَوْخُذُ	أَوْخُذِي	أَوْخُذِي	أَوْخُذِي
أَخَذْنَا	نَأْخُذُ	نَأْخُذُ	نَأْخُذِي	نَأْخُذِي	نَأْخُذِي

خلاصه درس

- * به تغییرات همزه، اصطلاحاً «تخفیف» گفته می‌شود.
- * تخفیف بر دو نوع است: قلبی و حذفی.
- * تخفیف قلبی، قیاسی است و تخفیف حذفی، سماعی است.

پرسش و تمرین

- ۱- راه‌های کاهش و یا زدودن ثقلات همزه چیست؟
- ۲- چهارده صیغه ماضی، مضارع و امر معلوم فعل ذیل را صرف کنید.

«أَنْتُمْ يَا أَنْتُمْ»

- ۳- در آیات و روایت زیر، کلمات رنگی مهموزاند، نوع آن (مهموز الفاء، ...) و ماده هر یک را بنویسید.

- * «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»^۱
- * «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ»^۲
- * «لَا يُوَاحِذُكُمْ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ...»^۳
- * «قال الباقر (ع): إِنَّ الشَّيْطَانَ يُغَرِّي بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ مَالَهُ يَرْجِعُ أَحَدُهُمْ عَنْ دِينِهِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ اسْتَلْقَى عَلَى قِفَاهُ وَتَمَدَّدَتْ ثُمَّ قَالَ: فُزْتُ: فَرَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَلْفَ بَيْنَ وَلِيَيْنِ لَنَا يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ نَأَلَفُوا وَتَعَاطَفُوا»^۴

۱. فصلت ۸: اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند.

۲. توبه: ۶۵؛ و اگر از آن‌ها بپرسی: «چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟»، می‌گویند: «ما شوخی و بازی می‌کردیم»، آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟!

۳. مائده: ۸۹؛ خداوند شما را بخاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می‌کنید مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده‌اید، مؤاخذه می‌نماید.

۴. الکافی (ط. الاسلامیه)؛ ج ۲، ص ۳۴۵؛ شیطان میان مومنان ایجاد عداوت و دشمنی می‌کند تا زمانی که هیچ‌یک از آنها از دینش برنگشته است (آنقدر در ایجاد دشمنی می‌کوشد تا آن‌ها را از دین به دربرد) و همین که از دین برگشتند (آسوده خاطر می‌شود و نفس راحتی می‌کشد) و به پشت می‌خوابد و دراز می‌کشد و می‌گوید پیروز شدم؛ سپس امام باقر علیه السلام فرمود: خدای رحمت کند کسی را که بین دو نفر از دوستان ما الفت ایجاد کند. ای مومنان! با یکدیگر انس و الفت گیرید و با هم مهربان باشید.

درس بیست و پنجم

غیر سالم مضاعف

این درس به:

* تعریف مضاعف؛ * و بررسی تغییرات این نوع از کلمه؛

خواهد پرداخت.

مضاعف ثلاثی

کلمه‌ای است که فاء الفعل و عین الفعل آن و یا عین الفعل و لام الفعل آن مثل هم (متماثل) باشند؛ مانند:

بَبْر^۱، مَدَد^۲.

نکته

کلماتی که فاء الفعل و لام الفعل آن‌ها مثل هم‌اند در اصطلاح علم صرف، مضاعف نامیده نمی‌شوند؛

مانند: سَلَس^۲.

مضاعف رباعی

کلمه‌ای است که فاء الفعل با لام الفعل اوّل و عین الفعل با لام الفعل دوّم آن مثل هم هستند؛ به عبارت دیگر دارای دو جفت حرف متماثل است؛ مانند: زُلْزَل.

۱. (حیوان) ببر.

۲. نرم و مطیع شد.

تغییرات مضاعف

مضاعف ثلاثی در معرض تغییراتی است که مهم‌ترین آن «ادغام» است.

ادغام در لغت؛ یعنی پیوستگی، الحاق، چیزی را به چیزی ضمیمه کردن و در اصطلاح؛ یعنی دو حرف کنار هم را طوری به هم پیوسته و ضمیمه کنیم که به صورت «حرف مشدد» و بدون فاصله «تلفظ» شود؛ مانند:

شَقَّقَ ← شَقَّ^۱.

شرایط ادغام

ادغام دارای دو شرط است:

- ۱- دو حرفِ مثل هم و همجنس، کنار هم باشند؛
- ۲- اولی ساکن باشد و دومی متحرک.

نکته

اگر هر دو حرف، متحرک باشند در صورتی که ما قبل این دو حرف، ساکنی است که می‌توان حرکت را به آن منتقل کرد، حرکت را به آن منتقل می‌کنیم تا شرایط ادغام مهیا شود؛ مانند:

يَشْقُقُ ← يَشْقُقُ ← يَشْقُ.

در غیر این صورت حرکت حرف اول را حذف می‌کنیم؛ مانند: **شَقَّقَ ← شَقَّقَ ← شَقَّ.**

احکام ادغام

ادغام دو حرف یا **واجب** یا **ممتنع^۲** و یا **جایز** است که در کتاب حاضر مهم‌ترین موارد دو قسم اول در افعال ماضی و مضاع بررسی خواهد شد.

فعل ماضی مضاعف

ادغام در پنج صیغه اول ماضی، واجب و در بقیه صیغه‌ها ممتنع است؛ خواه مجرد باشد مزید، و خواه معلوم باشد یا مجهول.

۱. شکافت.

۲. ممنوع.

مجهول			معلوم			شماره	تعداد	جنس	فعل ماضی مضاعف
نتیجه نهایی	تغییرات ادغام	قبل از ادغام	نتیجه نهایی	تغییرات ادغام	قبل از ادغام				
شُقّ	شُقّق	شُقّق	شُقّ	شُقّق	شُقّق	۱	مفرد	مؤنث	
شُقّا	شُقّقّا	شُقّقّا	شُقّا	شُقّقّا	شُقّقّا	۲	مثنی		
شُقّوا	شُقّقُوا	شُقّقُوا	شُقّوا	شُقّقُوا	شُقّقُوا	۳	جمع		
شُقّت	شُقّقّت	شُقّقّت	شُقّت	شُقّقّت	شُقّقّت	۴	مفرد	مؤنث	
شُقّتّا	شُقّقّتّا	شُقّقّتّا	شُقّتّا	شُقّقّتّا	شُقّقّتّا	۵	مثنی		
-	-	شُقّقِن	-	-	شُقّقِن	۶	جمع		
-	-	شُقّقّت	-	-	شُقّقّت	۷	مفرد	مؤنث	
-	-	شُقّقّتّمّا	-	-	شُقّقّتّمّا	۸	مثنی		
-	-	شُقّقّتّم	-	-	شُقّقّتّم	۹	جمع		
-	-	شُقّقّت	-	-	شُقّقّت	۱۰	مفرد	مؤنث	
-	-	شُقّقّتّمّا	-	-	شُقّقّتّمّا	۱۱	مثنی		
-	-	شُقّقّتِن	-	-	شُقّقّتِن	۱۲	جمع		
-	-	شُقّقّت	-	-	شُقّقّت	۱۳	وحده	مؤنث	
-	-	شُقّقّتّا	-	-	شُقّقّتّا	۱۴	مع الغیر		

متکلم

مخاطب

فعل ماضی مضاعف

فعل مضارع مضاعف

ادغام در صیغه‌های ۶ و ۱۲ مضارع ممتنع و در بقیه صیغه‌های آن واجب است، خواه مجزء باشد یا مزید، خواه معلوم باشد یا مجهول.

معلوم						مجهول	
جنس	تعداد	شماره	قبل از ادغام	تغییرات ادغام	نتیجه نهایی	قبل از ادغام	تغییرات ادغام
مُکْرِمٌ	مفرد	۱	يُسْقَى	يُسْقَى	يُسْقَى	يُسْقَى	يُسْقَى
	مثنی	۲	يُسْقَوَانِ	يُسْقَوَانِ	يُسْقَوَانِ	يُسْقَوَانِ	يُسْقَوَانِ
	جمع	۳	يُسْقَوُونَ	يُسْقَوُونَ	يُسْقَوُونَ	يُسْقَوُونَ	يُسْقَوُونَ
مُؤَنَّنٌ	مفرد	۴	تُسْقَى	تُسْقَى	تُسْقَى	تُسْقَى	تُسْقَى
	مثنی	۵	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ
	جمع	۶	يُسْقَعْنَ	-	-	يُسْقَعْنَ	-
مُكْرِمٌ	مفرد	۷	تُسْقَى	تُسْقَى	تُسْقَى	تُسْقَى	تُسْقَى
	مثنی	۸	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ	تُسْقَوَانِ
	جمع	۹	تُسْقَوُونَ	تُسْقَوُونَ	تُسْقَوُونَ	تُسْقَوُونَ	تُسْقَوُونَ
مُؤَنَّزٌ	مفرد	۱۰	تُسْقَعِينَ	تُسْقَعِينَ	تُسْقَعِينَ	تُسْقَعِينَ	تُسْقَعِينَ
	مثنی	۱۱	تُسْقَعَانِ	تُسْقَعَانِ	تُسْقَعَانِ	تُسْقَعَانِ	تُسْقَعَانِ
	جمع	۱۲	تُسْقَعْنَ	-	-	تُسْقَعْنَ	-
مُنْكَرٌ	وحده	۱۳	أُسْقَى	أُسْقَى	أُسْقَى	أُسْقَى	أُسْقَى
	مع الغیر	۱۴	نُسْقَى	نُسْقَى	نُسْقَى	نُسْقَى	نُسْقَى

خلاصه درس

- * ادغام یا واجب یا ممتنع و یا جایز است.
- * ادغام در پنج صیغه اوّل ماضی، واجب و در بقیه ممتنع است.
- * ادغام در صیغه ۶ و ۱۲ مضارع ممتنع و در بقیه واجب است.

پرسش و تمرین

- ۱- اگر دو حرف متماثل، هر دو متحرک باشند چگونه آن‌ها را مهیای ادغام می‌کنیم؟
- ۲- حکم ادغام کلمات زیر چیست؟
اِسْتَحَبَّ، حَقَّقَتْ، اَخْفَفَنْ، يَزِدُّدَانِ، تَسْبِيْنٌ، ضَدَدُوا
- ۳- چهارده صیغه ماضی معلوم و مجهول فعل ذیل را صرف کنید.
هَمَّ (هَمَمَ بوده)
- ۴- چهارده صیغه مضارع معلوم و مجهول فعل ذیل را صرف کنید.
يُظَنُّ (يُظَنُّنُ بوده)

۵- در آیات و روایات زیر، کلمات رنگی مضاعف‌اند، باب و ماده هر یک را بنویسید.

* ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا...﴾^۱

* ﴿إِلَيْهِ يُرْدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ...﴾^۲

* قال الصادق (ع): قراءة القرآن في المصحف تخفف العذاب عن الوالدين ولو كانا

كافرين.^۳

* عن موسى بن جعفر (ع): ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم لا ظل إلا ظله: رجل زوج أخاه

المسلم أو أخدمه أو كتم له سراً.^۴

* قال علي بن موسى الرضا (ع): ... ألا وإني لمقتول بالسهم ظلماتاً ومدفون في موضع غربة. فمن

شدّ رحله إلى زيارتي استجيب دُعَاؤه وغفر له ذنبه.^۵

۱. هود: ۱۹؛ همانا که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند و راه حق را کج و معوج نشان می‌دهند.

۲. فصلت: ۴۷؛ «علم به قیامت (و لحظه وقوع آن) تنها به خدا باز می‌گردد.

۳. وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۲۰۴؛ روخوانی قرآن، عذاب پدر و مادر (قاری) را سبک و کم می‌کند حتی اگر کافر باشند.

۴. الخصال؛ ج ۱، ص ۱۴۱؛ روزی که سایه‌ای جز سایه عرش خدای نباشد، سه کس در سایه سار عرش او باشند؛ مردی که برادر مسلمانش را همسری دهد یا بر او خدمت کند و یا رازی از او را نهان دارد.

۵. الخصال؛ ج ۱، ص ۲۱۲؛ ... هان! به راستی که من ستمگرانه با سم کشته می‌شوم و در جایی غریب به خاک سپرده می‌شوم؛ پس هر که برای زیارت من بار سفر بندد خواسته‌اش برآورده شود و گناهش بخشوده شود.

تمرین دوره ای چهارم

۱- کدام گزینه جزء کلمات «سالم» است؟

الف) حَرِير (ب) رَحِيم (ج) أَمِير (د) يَمِين

۲- اگر ماده «م ش ی» به باب «فَعَلَ يَفْعُلُ» برود، ماضی و مضارع آن پس از اعلال چه می شود؟

الف) مَشَى يَمْشِي (ب) مَشَى يَمْشِي

ج) مَشَى يَمْشِي (د) مَشَى يَمْشِي

۳- جای خالی را با فعل مناسب پر کنید. **الامام الجواد** : مَنْ قَبَرَ عَمَّتِي يَقُمُ فَلَهُ الْجَنَّةُ.

الف) زَارَتْ (ب) زَارَ (ج) تَزَوَّرَ (د) زُرَّ

۴- کدام گزینه در مورد فعل «أَدَّى» صحیح است؟

الف) مضاعف است. (ب) مهموز و مضاعف است.

ج) مهموز و معتل است. (د) مضاعف و معتل است.

۵- «عَضَّ يَعْضُّ» از چه بابی است؟

الف) فَعَلَ يَفْعُلُ (ب) فَعَلَ يَفْعُلُ

ج) فَعَلَ يَفْعُلُ (د) فَعَلَ يَفْعُلُ

۶- صیغه هفتم امر معلوم فعل «يَأْزُرُ» پس از تخفیف کدام گزینه است؟

الف) إِزَرَ (ب) أَزَرَ (ج) أَزَرَ (د) زَرَ

۷- در روایت «لَا يَسْتَحْيِي الْعَالِمُ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ: لَا عِلْمَ لِي بِهِ.» فعل «لَا يَسْتَحْيِي»...

الف) فقط لفیف مقرون است. (ب) فقط لفیف مفروق است.

ج) لفیف مقرون و مضاعف است. (د) فقط مضاعف است.

۸- فعل «يَصِفُ» قبل از اعلال به چه صورت بوده است؟

الف) يَصِفُ (ب) يَوْصِفُ (ج) يَصِفُ (د) يَصُوفُ

۹- حروف اصلی فعل «أَوْصَاكُمْ» چیست؟

الف) أ و ص ی (ب) أ و ص ی (ج) أ و ص (د) و ص ی

۱۰- صیغه دهم مضارع معلوم فعل «يَعُدُّ» کدام گزینه است؟

- الف) يُعَدِّينَ ب) تَعُدُّدِينَ ج) تَعْدِينَ د) تَعُدُّونَ
- ۱۱- جای خالی را با فعل مناسب پر کنید. مَا مِنْ امْرَأَةٍ..... زَوْجَهَا شَرِبَةَ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لِّهَا مِنْ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارُهَا قِيَامٍ لَّيْلِهَا.

- الف) تَشْقَى ب) يَشْقَى ج) سَقَى د) أَسْقَى
- ۱۲- صیغه نهم امر معلوم فعل «يَأْجُزُ» پس از تخفیف می شود.

- الف) أَأَجُزُوا ب) أَوْجُزُوا ج) إِيْجُزُوا د) آجُزُوا
- ۱۳- اگر ماده «و د ع» به باب افعال برده شود، مضارع معلوم آن می شود.

- الف) يُوْدَعُ ب) يَدَعُ ج) يُودِعُ د) يُودَعُ
- ۱۴- کلمه «إِنْقَادَ» از چه بابی بوده و حروف اصلی آن کدام است؟

الف) انفعال - ن ق د ب) انفعال - ق و د

ج) افعال - ن ق د د) افتعال - ن ق د

ملحق

لغت نامه

هر «زبانی» دارای «لغت نامه»^۱ است.

لغت نامه مجموعه‌ای است که در آن، «کلمات» آن زبان «گردآوری»، «ثبت» و به شکل خاصی که خواهد آمد «چینش» شده‌اند.

وظیفه اصلی «لغوی»، گردآوری لغت و کلمات به کار رفته در آن زبان است. به عبارت ساده‌تر «توصیف»^۲ کلمات؛ اما «استنباط» قوانینی که بین همه یا غالب کلمات، مشترک‌اند و «وضع قانونی» بر آن‌ها برعهده علمی چون «صرف»، «اشتقاق» و ... نهاده شده است.

وظایف لغت نامه

اگر وظیفه لغت نامه را به «ترجمه» کلمات منحصر کنیم، بخش قابل توجهی از فواید و کارکردهای آن را نادیده گرفته‌ایم.

۱. کتاب لغت، معجم، قاموس، فرهنگ، فرهنگ واژگان، فرهنگ لغت، واژه نامه، دیکشنری.

۲. شرح، وصف، ذکر امتیاز، بیان حال.

عمده وظایف لغت نامه‌های عربی عبارتند از:

- ریشه یابی کلمات
- تعیین حرکت عین الفعل در ماضی و مضارع^۱
- تعیین مصدر یا مصادر افعال^۲
- ترجمه
- باب یا ابوابی که این ریشه در آن‌ها به کار رفته
- تعیین، «تغییر معنوی» که باب‌ها ایجاد می‌کنند
- تعیین لازم و متعدی
- تاثیر حروف جر بر معانی افعال

مانند:

خرج^۳: خَرَجَ يَخْرُجُ خُرُوجًا وَمَخْرَجًا مِنْ مَوْضِعِهِ: بیرون آمد، از جایش خارج شد.

خَرَجَ بِهِ: آن را بیرون آورد.

خَرَجَ عَلَيْهِ: برای پیکار با او بیرون آمد.

خَرَجَ إِلَى فَلَانٍ مِنْ دَنِيَّةٍ: بدهی خود به فلانی را پرداخت کرد.

خَرَجَ يَخْرُجُ تَخْرِيْجًا هُ مِنْ الْمَكَانِ: او را از آن جا بیرون کرد.^۴

أَخْرَجَ يَخْرِجُ إِخْرَاجًا الشَّيْءَ: آن چیز را بیرون آورد.^۵

تَخَارَجَ يَتَخَارَجُ تَخَارُجًا الشُّرَكَاءُ: شریک‌ها اموال را میان خود تقسیم کردند و شرکت را برهم زدند.^۶

اسْتَخْرَجَ يَسْتَخْرِجُ اسْتِخْرَاجًا هُ: خواستار بیرون آمدن آن شد.^۷

الْخَرَّاجُ: بسیار خارج شونده.

نکته

جهت تعیین حرکت عین الفعل ماضی و مضارع یکی از روش‌های ذیل متداول است:

۱- نگارش کامل ماضی و مضارع **خَرَجَ يَخْرُجُ**

۱. در ثلاثی مجزّد.

۲. در ثلاثی مجزّد.

۳. المنجد: ترجمه محمد بندر ریگی (با تلخیص).

۴. تعدیه.

۵. تعدیه.

۶. مشارکت.

۷. طلب، تعدیه.

۲- نگارش کامل ماضی و تعیین حرکت عین الفعل مضارع **خَرَجَ** ۱

۳- استفاده از رموز باب ها **خَرَجَ «ن»** ۱

ترتیب چینش «کلمات» در لغت نامه ها

لغت نامه ها از الگوهای مختلفی جهت چینش و ترتیب کلمات پیروی می کنند مانند:

- ترتیب موضوعی
- ترتیب براساس حرف آغازین کلمه
- ترتیب براساس حرف آخر ریشه (از آخر به اول)
- و رایج ترین آن ها
- ترتیب الفبایی کلمات براساس حرف اول ریشه.

روش استفاده از لغت نامه ها

با توجه به تنوع لغت نامه ها، کیفیت استفاده از آن ها نیز اندکی متفاوت است. مطمئن ترین راه، مراجعه به مقدمه این کتب است که در آن، علاوه بر روش استفاده، مزایا و ویژگیهای کتاب نیز شرح داده شده است. در لغت نامه های الفبایی باید:

الف) اگر واژه، دارای حرف یا حروف زایدی است آن ها را حذف کنیم. به عنوان مثال، در کلمه «**اِسْتَرْفَقَ**» همزه، سین و تاء را حذف می کنیم.

ب) طبق اولین حرف ریشه، آن را جستجو کنیم؛ «**رف ق**» در حرف «**راء**» قابل شناسایی است.

ج) اگر در کلمه، تغییری صورت گرفته - اعم از اعلال، حذف، ادغام و ... - حالت اولیّه و اصلی آن لحاظ شود. مانند:

• واژه «**جَازَ**» در «**جوز**» ۲

• واژه «**خَذَ**» در «**أَخَذَ**»

• واژه «**رَخَّصَ**» در «**رخ ص**»

۱. رمز «ن»، اولین حرف فعل «نَصَرَ» است یعنی اشاره به باب «فَعَلَ يَفْعُلُ» دارد.

۲. جهت تشخیص یائی یا واوی بودن کلمات راه هایی وجود دارد از جمله: توجه به مضارع (جَازَ يَجُوزُ)، یا مصدر (جَازَ جَوَازاً) و در صورتی که نشانه ها ضعیف یا نامرئی باشند باید از روش «حدس» استفاده نمود.

درآمدی بر علم صرف، براساس سرفصل‌های مصوب و متناسب با مرحله آشنایی
تدوین گردیده است.

برخی از ویژگی‌های این کتاب عبارت است از:

۱. بیان ساختار علم صرف و مفاهیم اساسی آن با قلمی روان و شیوا؛

۲. بهره‌مندی از آیات مبارکه قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام؛

۳. تنوع مثال‌ها و ترجمه آن‌ها؛

۴. پرهیز از تأکید بر موارد سماعی و خلاف قاعده؛

۵. طرح جداول مناسب با مرحله آشنایی؛

۶. استفاده از تنوع رنگ‌ها.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۰۲۵-۳۷۸۳۴۰۴۴

WWW.TMD.IR